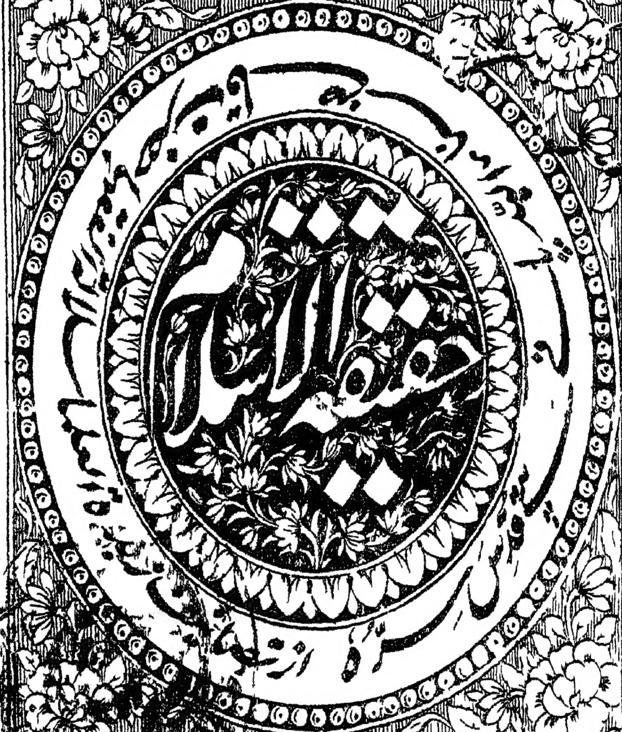
ومن یتوکل علی اللہ فہو حسبہ

حسب الحکم مہر ذیل مطبع



کشف المنافع المسمی بساطع البیان

مصطفی المطابع
محمد خان لکھنو

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم الدین والصلوة والسلام علی سید
المرسلین وامام المتقین خیر خلق الله اجمعین وعلی آله واصحابه سُرُج الدین
ونجوم الطریق المستقیم بدان اسعدک الله تعالی فی الدارین که اسلام کامل عبارتست
از انکه تسلم کل ذی حق حقه یعنی آنکه حق هر صاحب حق سالم وکامل ادا کنی بی قصور وبی فتور پس
اول از حقوق حق اللهست اول حق الله تعالی ادا کنی که وجود وتوابع وجود هرچه هست عطای
اوست لا شریک له هر نفسی که فرو میرود ممد حیاتست وچون بر می آید مفرح ذاتست پس در هر نفسی دو نعمت
موجودست وبر هر نعمتی شکری واجب بیت از دست وزبان که بر آید * کز عهده شکرش بدر آید
پس اگر توفیق شکر نعمتی از نعمها دریابی خواه بزبان یا بجوارح یا بدل از مواهب اوست جل شانه وتوفیق
شکر هم از مواهب اوست پس بر این شکر چندین شکر واجب میشود پس خروج از عهده شکر او تعالی محالست
ومستلزم تسلسل قال الله تعالی وَاِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لَا تُحْصُوهَا اِنَّ اللهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
یعنی اگر بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کرد بدرستیکه حق تعالی بخشنده مهربانست در کلمه غفور رحیم
اشارتست بآنکه حق تعالی بفضل رحمت خود تکلیف ما لا یطاق نداده و در ادای حق شکر بخشیده
[illegible] فرموده وبقدر وسعت شکر واجب ساخته هر که بقدر طاقت انسانی در ادای شکر کوشید بفضل
ورحمت خود او را شکور بحقیقت میخواند چنانچه در حق نوح علیه السلام فرموده اِنَّهُ کَانَ عَبْدًا

شَکُوْرًا یعنی بود نوح علیه السلام بنده بسیار شکر کننده و هر که در معتقد و رخو و از شکر او تقصیری ورزد بسخت
ظالم و نهایت کافر نعمت باشد که در شکر نعمتهای غیر متناهی چنین منعم ازادی شکر یعنی از معتقد و تقصیر کرده
قال الله تعالی وَاِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ یعنی اگر
بشمرید نعمتهای خدا را نتوانید احاطه کردید رستیکه انسان یعنی اکثر شان برآینه سخت ظالم و بسیار کافر ند
نعمتهای او را پس قدری از شکر که از بندگان مطلوبست آنست که او سبحانه را بصفات کمال او مطابق
نفس الامر بقدر طاقت بشری بشناسد و از اعتقادات و اخلاق و اعمال آنچه مرضیات اوست بوجود
آنچه که بر ذمه عباد از ان واجب ساخته است آنرا بصفات کمال ادا سازند و از مکروهات و
منهیات جناب او پرهیز کنند و رضای او تعالی بر رضامندی نفس خود و رضای هر مخلوق مقدم دارند
تا بر علمت نفس مَّا قَدَّمَتْ وَاَخَّرَتْ شرمسار نگردند یعنی نفس هر کس در روز قیامت خواهد دانست
که چه چیز را مقدم داشته و چه چیز را موخر کرده رضای نفس بر رضای خدا یا رضای خدا بر رضای نفس قال الله تعالی
قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَآؤُكُمْ وَاَبْنَآؤُكُمْ وَاِخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيْرَتُكُمْ وَاَمْوَالُ
اقْتَرَفْتُمُوْهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسٰكِنُ تَرْضَوْنَهَآ اَحَبَّ اِلَيْكُمْ مِّنَ اللّٰهِ
وَرَسُوْلِهٖ وَجِهَادٍ فِيْ سَبِيْلِهٖ فَتَرَبَّصُوْا حَتّٰى يَاْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهٖ یعنی بگو ای محمد اگر باشند
پدران شما و پسران شما و برادران شما و زنان شما و قبائل شما و مالهائی که کسب کرده اید و سوداگری که
میترسید از فوت شدن منفعت آن و خانهائی که پسند شماست دوست تر نزد شما از خدا و رسول او و جهاد
کردن و کوشش نمودن در مرضیات او پس منتظر باشید وقت آمدن امر و قضای او بعذاب در دنیا یا
در آخرت مسلمان را باید که هر که او دوست دارد برای خدا دوست دارد و هر که او دشمن دارد برای خدا دشمن
دارد و هر که چیزی بدهد برای خدا بدهد و هر که ندهد برای خدا ندهد و لقمه اگر در دهن خود یا در دهن زن
یا فرزند خود دهد بایه نیت دهد که حق تعالی بر من واجب کرده است رسول خدا فرمود صلی الله علیه وسلم مَنْ
اَحَبَّ لِلّٰهِ وَاَبْغَضَ لِلّٰهِ وَاَعْطٰى لِلّٰهِ وَمَنَعَ لِلّٰهِ فَقَدِ اسْتَكْمَلَ الْاِيْمَانَ ابو داود از ابی
امامه و ترمذی از معاذ این حدیث روایت کردند یعنی هر که دوست دارد برای خدا و دشمن دارد
برای خدا و بدهد برای خدا و ندهد برای خدا پس بتحقیق ایمان خود را کامل کرد و رسول فرمود علیه السلام

إِذَا أَنْفَقَ الْمُسْلِمُ نَفَقَةً عَلَى أَهْلِهِ وَهُوَ يَحْتَسِبُهَا كَانَتْ لَهُ صَدَقَةً متفق علیه عن ابن مسعود
یعنی اگر خرج کرد مسلم بر اہل خانۂ خود بنیت عبادت باشد او را صدقہ **وصل** چون شناختن ذات و
صفات و مرضیات و مکروہات حق سبحانہ تعالی بی توسط پیغمبران صورت نه بندد و عقل دران کافی
نیست ازین جہت ایمان بکتب الٰہی و رسل و ہما بہ الرسل داخل ایمان بحق شده رسول فرمود
صلعم فرستادگان قبیلۂ عبد القیس را أَتَدْرُونَ مَا الْإِيمَانُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ یعنی میدانید که
ایمان بخدا چیست آنہا گفتند خدا و رسول او دانا تر ند فرموده شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ
وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ یعنی گواہی دادن بتوحید و رسالت محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم
متفق علیه عن ابن عباس اطاعت رسول الله اطاعت خدا گشته قال الله تعالی مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ
فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ یعنی ہر که فرمان برداری کند رسول را او فرمان برداری خدا کرد و محبت رسول
الله صلعم در رنگ محبت خدا بلکه عین محبت او تعالی شده رسول فرموده صلعم لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتّٰى
أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ وَالِدِهِ وَوَلَدِهِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ متفق علیه عن انس یعنی ایمان
یکی از شما صحیح نباشد تا دوست تر باشم نزد او از والد و فرزند او و از تمام آدمیان پس ادای حق رسول
الله صلعم ہم از طوق بشر خارج ست اما مطلوب بقدر طاقت ست و آن امتثال اوامر و نواہی او ست و کثرت
صلوة و سلام بر وی و محبت بآل و اصحاب او **وصل** پس بر آنکه چون شناختن ذات و صفات و مرضیات
و مکروہات بتوسط رسول صلعم رسیده خصوصًا بسعی خلفای راشدین دین قوت و رونق گرفته و اقوال
و افعال وی علیه السلام که بعض صحابه را معلوم بوده و اکثر را معلوم نبوده از سعی آنہا شہرت گرفته مسائل خلافی
مجمع علیه گشته که در ہر مسئله صحابه راجح کرده تحقیق کرده ترجیح میکردند پس ادای حق صحابه و اہل بیت عین ادای
حق رسول ست و نسبت و امام ... شان مثل محبت ... الله است ... صلعم گشته فرموده رسول صلعم مَنْ أَحَبَّهُمْ
فَبِحُبِّي أَحَبَّهُمْ وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَبِبُغْضِي أَبْغَضَهُمْ وَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ
آذَانِي فَقَدْ آذَى اللّٰهَ رواه الترمذی ... اقْتَدُوا بِاللَّذَيْنِ مِنْ
بَعْدِي أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرَ ... رواه الترمذی ...
... ... دوست ... ...

آنها را ایذا کرده پس بدرستی مرا ایذا کرده و هر که مرا ایذا کرده پس بدرستیکه خدا را ایذا کرده و فرمود
پیروی کنید بهر دو خلیفه که بعد من باشند ابو بکر و عمر و فرموده عَلَیْکُمْ بِسُنَّتِیْ وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ
الرَّاشِدِیْنَ مِنْ بَعْدِیْ یعنی لازم گیرید سنت من و سنت خلفاء الراشدین را که بعد من باشند و
فرموده اَنَا مَدِیْنَةُ الْعِلْمِ وَعَلِیٌّ بَابُهَا رواه الطبرانی والحاکم عن ابن عباس من شهر علمم
دروازه آنست و فرموده اِنِّیْ تَارِکٌ فِیْکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتَابَ اللّٰهِ وَعِتْرَتِیْ رواه احمد و
الطبرانی عن زید بن ثابت یعنی من میگذارم بعد خود نزد شما دو وسیله محکم یکی قرآن دوم عترت خود و
فرمود صلی الله علیه وسلم خُذُوْا نِصْفَ الْعِلْمِ مِنْ هٰذِهِ الْحُمَیْرَاءِ بگیرید نصف علم از این حمیرا یعنی
عائشه رضی الله تعالی عنها و فرموده صلی الله علیه وسلم اَصْحَابِیْ کَالنُّجُوْمِ بِاَیِّهِمْ اقْتَدَیْتُمْ
اهْتَدَیْتُمْ رواه رزین عن عمر رضی الله عنه یعنی اصحاب من مانند ستارگانند بهر که ازینها
پیروی کنید بهدایت رسید همچنین احادیث بسیارند **فصل** همچنین ادای حق علمای محدثین
و فقهای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله ساتذه علوم ظاهر و پیران اساتذه علوم باطن
در رنگ حق صحابه و اهلبیت واجب ادای حق خدا و رسول صلی الله علیه وسلم است که اینها وارثان
پیغمبر و حاملان دین اند قال رسول الله صلی الله علیه وسلم اِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْاَنْبِیَاءِ اِنَّ
الْاَنْبِیَاءَ لَمْ یُوَرِّثُوْا دِیْنَارًا وَلَا دِرْهَمًا وَاِنَّمَا وَرَّثُوا الْعِلْمَ رواه [illegible] عن
بشر بن قیس یعنی بدرستیکه علما وارثان انبیا اند و بدرستیکه انبیا میراث نگذاشته اند دینار و درم و لیکن
چیزی نیست که میراث گذاشته اند علم است و قال [illegible] فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَی الْعَابِدِ کَفَضْلِیْ عَلٰی اَدْنَاکُمْ
ثُمَّ تَلَا اِنَّمَا یَخْشَی اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ رواه الترمذی عن ابی امامة الدارمی عن
مکحول والحسن مرسلا یعنی فرمود آنحضرت فضیلت عالم بر عابد مانند فضیلت من است بر ادنی شما
بستر خواند آیه یعنی جز این نیست میترسند از خدا از جمله بندگان او مگر عالمان و فرموده رسول صلی الله علیه وسلم
اِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا یعنی حق تعالی مرا نفرستاده است مگر برای تعلیم کردن و رسول فرموده صلی الله
علیه وسلم اَللّٰهُ اَجْوَدُ جُوْدًا ثُمَّ اَنَا اَجْوَدُ بَنِیْ اٰدَمَ وَاَجْوَدُهُمْ بَعْدِیْ رَجُلٌ عَلِمَ
عِلْمًا فَنَشَرَهٗ یَاْتِیْ یَوْمَ الْقِیَامَةِ اُمَّةً وَاحِدَةً رواه البیهقی عن انس یعنی حق تعالی جواد است

ومن جوادترین آدمیانم وجوادتر آدمیان بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردم پراگنده کرد
روز قیامت بیاید جماعتی تنها طاهرا مراد آنست که هرچند امتی ست نبی نیست که امت باوی باشد
اما جماعت تلامذه مثل امت باشد و فرموده رسول صلی الله علیه وسلم یُوْزَنُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ مِدَادُ
الْعُلَمَآءِ وَدَمُ الشُّهَدَآءِ فَیُرَجَّحُ مِدَادُ الْعُلَمَآءِ عَلٰی دَمِ الشُّهَدَآءِ رواه الذهبی عن عمران
بن حُصَین یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت سیاهی علما و خون شهیدان پس سیاهی علما
غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما و اولیا اطاعت خدا و رسول ست صلی الله علیه وسلم
ومحبت شان قال الله تعالی اَطِیْعُوا اللّٰهَ وَاَطِیْعُوا الرَّسُوْلَ وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ یعنی
فرمان برداری کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر خدا به بندگان رسانند یعنی اولو الامر
الله صلی الله علیه وسلم واصحاب واهلبیت وعلیهم السلام وعلمای ظاهر و باطن یطع الرسول
حقوق شان داخل حقوق العباد ست اما لحق ست بحق الله تعالی اگر اینها نمیبودند کسی خدا را نمی
و حق الله ادا نمیکرد و رسول فرمود لَوْلَا هَدٰنَا اللّٰهُ مَا اهْتَدَیْنَا وَلَا تَصَدَّقْنَا وَلَا
صَلَّیْنَا یعنی اگر نمیبود هدایت خدا بانزال کتب و ارسال رسل کسی هدایت نمی یافت و کسی ادای
زکوة و نماز نمیکرد و اینها مستغرق اند در ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی ایشان
دوستی و دشمنی با خداست در حدیث قدسی آمده مَنْ عَادٰی وَلِیًّا فَقَدْ اٰذَنْتُهٗ بِالْحَرْبِ
رواه البخاری عن ابی هریرة یعنی هر که دشمنی کند با ولی من پس خبردار می کنم او را با جنگ کردن با من و نیز
در حدیث قدسی آمده اَوْلِیَائِیْ مِنْ عِبَادِیَ الَّذِیْنَ یُذْکَرُوْنَ بِذِکْرِیْ وَاُذْکَرُ بِذِکْرِهِمْ
رواه البغوی یعنی اولیای من از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شوند بیاد کردن من و من یاد کرده شوم
از یاد کردن اینها همچنین در حدیث نبوی آمده صلی الله علیه وسلم **قسم دوم** قسمی دیگر از حقوق العباد حق کسانی
ست که مظهر بعضی از حقوق الله آمده اند و در ظاهر واسطه افتاده اند در ایجاد و پرورش و روزی رسانیدن
و مانند آن چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط شان روزی رسانید یا
از اینها پرورش کناند یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از منافع بتوسط شان رسانند
شکر اینها هم مثل مادر و پدر واجب ست رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مَنْ لَمْ یَشْکُرِ النَّاسَ لَمْ یَشْکُرِ

قسم دوم حقوق عباد

حقوق والدین

فصل رواه مسلم والترمذی عن ابی سعید الخدری یعنی هرکس که شکر آدمیان نکند شکر خدا نکرده
واکبر از ان حقوق والدین ست قال الله تعالی وَوَصَّیْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَیْهِ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ
وَهْنًا عَلٰی وَهْنٍ وَّفِصَالُهٗ فِیْ عَامَیْنِ اَنِ اشْکُرْ لِیْ وَلِوَالِدَیْکَ یعنی امر کردیم انسان را
که نکوئی کند با مادر و پدر نکوئی کردنی مادر او در شکم برداشت او را بمشقت بر مشقت و دو سال او را
شیر داده و شکر کن برای من و برای مادر و پدر خود این حکم در قرآن چند جا آمده و رسول صلی الله علیه
سلم در کبائر ذکر کرده اشراک و عقوق والدین را متفق علیه عن عبد الله بن عمر عقوق عبارتست از نا (شرک کردن را)
کردن و نافرمانی کردن معنی عق بالتشدید شق و قطع ست ضد بر وصله و احمد از معاذ بن جبل روایت
کرده که رسول صلی الله علیه وسلم بده چیز وصیت کرده از انجمله گفت لَا تُشْرِکْ بِاللّٰهِ شَیْئًا وَّاِنْ
قُتِلْتَ وَحُرِّقْتَ وَلَا تَعُقَّنَّ وَالِدَیْکَ وَاِنْ اَمَرَاکَ اَنْ تَخْرُجَ مِنْ اَهْلِکَ وَمَالِکَ
الحدیث یعنی شریک مکن بخدا چیزی را اگرچه کشته و سوخته شوی و نافرمانی والدین مکن اگرچه امر کنند ترا بآنکه
بیرون شوی از اهل و مال خود و در صحیحین از ابی هریره رض روایت کرده که مردی از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید
که زیاده حق برای نیکوصحبتی کیست فرمود مادر تو گفت بسترکیست فرمود مادر تو گفت بسترکیست گفت مادر تو
گفت بسترکیست گفت پدر تو بستر اقرب بعد اقرب رسول فرمود صلی الله علیه وسلم رَغِمَ اَنْفُهٗ رَغِمَ اَنْفُهٗ رَغِمَ اَنْفُهٗ
یعنی سه بار فرمود خاک آلوده باد بینی او گفتند آن کیست یا رسول الله فرمود مَنْ اَدْرَکَ وَالِدَیْهِ
عِنْدَ الْکِبَرِ اَحَدَهُمَا اَوْ کِلَاهُمَا ثُمَّ لَمْ یَدْخُلِ الْجَنَّةَ رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی کسیکه مادر و پدر
را یکی یا هر دو در پیری یافت و داخل بهشت نشد و ترمذی از ابن عمر روایت کرده که مردی گفت یا رسول الله
از من گناهی عظیم بوقوع آمده توبه من چگونه باشد فرمود ترا مادر ست گفت نه فرمود که خاله هست گفت هست فرمود با وی
نکوئی کن قال رسول الله صلی الله علیه وسلم مَنْ اَصْبَحَ مُطِیْعًا لِلّٰهِ فِیْ وَالِدَیْهِ اَصْبَحَ لَهٗ بَابَانِ مَفْتُوْحَانِ
مِنَ الْجَنَّةِ وَاِنْ کَانَ وَاحِدًا فَوَاحِدًا وَمَنْ اَمْسٰی عَاصِیًا لِلّٰهِ فِیْ وَالِدَیْهِ اَصْبَحَ لَهٗ بَابَانِ
مَفْتُوْحَانِ مِنَ النَّارِ وَاِنْ وَاحِدًا فَوَاحِدًا هر که باشد فرمان بردار خدا در ادای حقوق والدین باشند برای
او دو دروازه کشاده بسوی بهشت و اگر یکی باشد یکی باشد و هر که باشد نافرمان خدا در ادای حقوق والدین باشند
برای او دو دروازه کشاده بسوی آتش و اگر یکی باشد یکی باشد مردم گفتند یا رسول الله اگر پدر و مادر بروی

ظلم کنند فرمود وَإِنْ ظَلَمَاهُ وَإِنْ ظَلَمَاهُ وَإِنْ ظَلَمَاهُ یعنی سه بار گفت اگرچه بروی ظلم کنند و فرمود صلی الله
علیه وسلم مَا مِنْ وَلَدٍ بَارٍّ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظْرَةَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَتَبَ اللّٰهُ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةً
مَبْرُورَةً یعنی نیست هیچ پسر نیک که نظر کند بسوی والدین بمهر مگر آنکه بنویسد حق تعالی برای او عوض هر نظر ثواب
یک حج پاکیزه از گناه مردم گفتند یا رسول الله اگرچه بیند هر روز صد بار فرمود نَعَمْ اللّٰهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ یعنی آری
حق تعالی بزرگترست و خوبتر روایت کرده هردو حدیث را بیهقی از ابن عباس شخصی گفت یا رسول الله
مرا ارادهٔ جهاد دارم فرمود که ترا مادر هست گفت هست فرمود که در خدمت او باش بهشت نزد قدم اوست
حدیث إِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِ أُمَّهَاتِكُمْ روایت کرد این را بیهقی از معاذ بن جابر ابن عمر
گفت یا رسول الله مرا زنی ست که من او را دوست میدارم و ام او را مکروه [illegible] فرمود که او را طلاق ده
و ترمذی و ابو داؤد این را از ابن عمر آورده مردی از رسول صلعم پرسید که حق مادر و پدر چیست فرمود که آنها
بهشت و دوزخ تواند ابن ماجه این را از ابی امامه روایت کرده مردی پیش رسول صلعم آمد و گفت که پدر من محتاج
ست بسوی مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود أَنْتَ وَمَالُكَ لِأَبِيكَ إِنَّ أَوْلَادَكُمْ
مِنْ أَطْيَبِ كَسْبِكُمْ كُلُوا مِنْ كَسْبِ أَوْلَادِكُمْ رواه ابو داود و ابن ماجه عن عمرو بن شعيب عن ابيه عن
جده یعنی تو و مال تو برای پدر تست بدرستیکه اولاد شما از پاکیزه ترین کسب شماست بخورید شما از کسب اولاد
خود پس نفقهٔ مادر و پدر و اجداد و جدات که مفلس باشند گو قدرت بر کسب داشته باشند بر فرزند حر عاقل بالغ
که قدرت بر کسب داشته باشد واجبست اگرچه کافر باشند از اهل ذمه در صحیحین از اسماء بنت ابی بکر روایت کرده
که از رسول کریم پرسید که مادر من آمده است و کافره است صله با او کنم فرمود آری بکن و امتثال امر و رضا
جوئی آنها واجب است مگر در معصیت و ترک فرائض ترمذی از عبدالله بن عمرو روایت کرده که فرمود
رسول صلعم رضامندی خدا در رضامندی پدرست و ناخوشی خدا در ناخوشی پدرست حق تعالی فرمود
وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي
الدُّنْيَا مَعْرُوفًا یعنی اگر جنگ کنند پدر و مادر تو بر اینکه شریک گوئی با من چیزی را که تو علم نداری بآن یعنی
علم بتوحید داری پس درین امر فرمان بردار آنها مکن و در دنیا صحبت نیکوئی به آنها کن رسول صلعم
فرمود لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ رواه احمد والحاكم عن عمران والحكم عن عمرو والغفا

در نیکی کردن با دوستان پدر و در حقوق اقربا

وفی صحیحین لا طاعة لاحدٍ فی معصیة الله انما الطاعة فی المعروف یعنی جائز نیست فرمان برداری هیچکس از مخلوقات در نافرمانی خدا طاعت جائز نیست مگر آنچه در شرع جائز است **فصل** از جمله حقوق پدر دوستی کردنست با دوستان پدر و نکوئی کردن با دوستانِ پدر رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اِنَّ مِنْ اَبَرِّ البِرِّ صِلَةَ الرَّجُلِ اَهْلَ وُدِّ اَبِیْهِ بَعْدَ اَنْ یُوَلِّیَ رواه مسلم عن ابی عمر یعنی کمال نکوئی آنست که صله کند با دوستانِ پدر در غیبت او و صله عبارتست از آنچه موجب وصلت و اخلاص باشد در رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق **فصل** در حق اقربا و از جمله حقوق پدران و مادرانست صله و نکوئی با اولاد آنها یعنی با برادران و خواهران و خالات پدر و مادر و اولادشان و همچنین الاقرب فالاقرب یعنی هر قدر که در نسب قریب تر باشد حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرمود در چندجا و [illegible] ذی القربی حقه یعنی بده صاحب قرابت را حق او و لهذا هر کس را که غنی باشد واجبست بر وی نفقهٔ ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت نداشته باشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی وَعَلَی الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ یعنی بر وارث نفقه واجبست مثل نفقهٔ اولاد و هر کس که ذی رحم محرم خود را مالک شود بمجرد مالک شدن آزاد گردد اگرچه کافر باشد قال علیه السلام مَنْ مَلَكَ ذَا رَحِمٍ مَحْرَمٍ مِنْهُ عُتِقَ عَلَیْهِ رواه احمد و ابوداود و الحاکم عن سمرة یعنی هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بر وی آزاد شود و جمع کردن دو زن ذی رحم محرم حرامست که موجب قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرم نیست گو نفقهٔ او واجب نیست لیکن صلهٔ او واجبست و قطع رحم حرامست و ناموافقت آنها جائز نیست عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ خَلَقَ اللهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ فَاَخَذَتِ الرَّحِمُ بِحَقْوِ الرَّحْمٰنِ تَعَالٰی مَهْ قَالَتْ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ الْقَطِیْعَةِ قَالَ اَلَا تَرْضَیْنَ اَنْ اَصِلَ مَنْ وَصَلَكِ وَاَقْطَعَ مَنْ قَطَعَكِ قَالَتْ بَلٰی یَا رَبِّ قَالَ فَذَاكِ مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ یعنی خدای تعالی پیدا کرد خلق را و هرگاه که حق تعالی از پیدا کردن خلق فارغ شد رحم برخاست و حقو رحمان را گرفت حقو بند ازار را گویند و این مجازست و مراد آنست که از جناب ایزد پناه جست عرب میگوید عُذْتُ بِحَقْوِ فلان یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که استاده ام پناه جوینده از قطع فرمود که آیا راضی نمیشوی باآنکه من وصلت کنم باآنکه وصل کند ترا و قطع کنم از هر که قطع کند ترا گفت که راضی شدم

ای رب عزو جل چنین کنم در حدیث قدسی آمده أَنَا اللّٰهُ وَأَنَا الرَّحْمٰنُ خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَشَقَقْتُ لَهَا مِنَ
اسْمِي فَمَنْ وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَتُّهُ رواه ابوداود والترمذی واحمد والحاکم
عن عبد الرحمن بن عوف والحاکم عن ابی ہریرة یعنی من اللہ ام و من رحمن ام رحم را پیدا کردم و از نام خود نام
برآوردم پس ہر کہ او را وصل کند من با وی وصل کنم و ہر کہ او را قطع کند من از و قطع کنم و بخاری از
ابی ہریرہ از رسول صلعم روایت کردہ کہ فرمود الرَّحِمُ شِجْنَةٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ فَقَالَ اللّٰهُ مَنْ وَصَلَكِ
وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَكِ قَطَعْتُهُ یعنی رحم اتصالی دارد بی کیفیت با خدا حق تعالی فرمود یعنی ہر کہ
ترا وصل کند من با وی وصل کنم و ہر کہ ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عائشہ رضی اللہ عنہا در صحیحین مثل
آنست و در صحیحین از جبیر بن مطعم مرویست کہ فرمود رسول صلعم قاطع رحم داخل جنت نشود و بیہقی از
عبداللہ بن ابی اوفی روایت کردہ کہ آنحضرت فرمود صلعم کہ رحمت نازل نمیشود کہ در آنہا یک قاطع رحم
میشود و در وجوب صلہ رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شدہ لہذا بر ہر کس لازم کہ بہ نسبت خود
خبردار باشد تا صلہ رحم کند و قطع از وی بظہور نیاید **فائدہ** رسول فرمود صلعم حق برادر بزرگ و برادر
خرد مثل حق پدر است بر پسر این حدیث و بیہقی از سعید بن عاص روایت کردہ حق سبحانہ بر کسیکہ فساد کند
در زمین و بر قاطع رحم لعنت کردہ و گفتہ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا
أَرْحَامَكُمْ أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمٰى أَبْصَارَهُمْ یعنی قریب ست کہ اگر
روگردانی کنید از حکم خدا آنکہ فساد کنید در زمین و قطع کنید ارحام خود را آنہا ہستند کہ لعنت کردہ بر انہا حق تعالی پس
کر نمود آنہا را کہ حق نمی شنوند و کور کرد چشمہای آنہا را کہ حق را نمی بینند امام احمد حنبل رحمۃ اللہ علیہ لعنت بر یزید
جائز گفتہ و با وجود قبائح بیشمار یزید بنا بر قطع رحم باین آیہ بر جواز لعنت او استدلال کردہ **سوال** زد و قریب
اگر یکی را دوم بد سلوکی کند و قطع رحم نماید دوم را از وی قطع جائز باشد یا نہ **جواب** دوم را لازم
کہ صلہ کند و قطع نکند و وبال قطع رحم بر قاطع رحم خواہد شد و برکات صلہ بر واصل رسول فرمود صلعم لَيْسَ
الْوَاصِلُ بِالْمُكَافِئِ وَلٰكِنِ الْوَاصِلُ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا رواہ البخاری
عن ابن عمر یعنی واصل آن نیست کہ در مقابلہ نکوئی نکوئی کند واصل آنست کہ اگر قطع کردہ شود
رحم از و وصل کند یعنی عوض بدی نیکی کند **بیت** بدی را بدی سہل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اساء

مسلم از ابی هریره روایت کرده که مردی از رسول صلعم گفت که یا رسول الله مرا اقربا هستند من صله آنها میکنم و آنها از من قطع میکنند و من با آنها نکوئی میکنم و آنها بدی میکنند و من از آنها حلم میکنم و آنها بر من جهل میکنند تحقیق فرمود صلی الله علیه وسلم لَئِنْ کُنْتَ کَمَا قُلْتَ فَاِنَّمَا تُسِفُّهُمُ الْمَلَّ وَلَا یَزَالُ مَعَكَ مِنَ اللّٰهِ ظَهِیْرٌ عَلَیْهِمْ مَادُمْتَ عَلٰی ذٰلِكَ یعنی اگر چنین ست که تو میگوئی پس گویا تو میخورانی آنها را خاکستر گرم یعنی آتش میخورانی که هلاکت آنها آنست و همیشه ترا از خداوند مددگاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین خصلت باشی

فائده صله رحم سوای ثواب در آخرت در دنیا فوائد بسیار دارد و رسول فرمود صلعم مَنْ اَحَبَّ اَنْ یُبْسَطَ لَهٗ رِزْقُهٗ وَیُنْسَاَلَهٗ فِیْ اَثَرِهٖ فَلْیَصِلْ رَحِمَهٗ متفق علیه عن انس یعنی هر که خواهد که فراخ شود رزق او و باقی ماند ذکر او و از نسل اولاد و مانند آن ذکر کنندگان خیر پس باید که صله رحم کند و رسول فرمود صلعم تَعَلَّمُوْا مِنْ اَنْسَابِكُمْ مَا تَصِلُوْنَ بِهٖ اَرْحَامَكُمْ فَاِنَّ صِلَةَ الرَّحِمِ مَحَبَّةٌ فِی الْاَهْلِ مَثْرَاةٌ فِی الْمَالِ مَنْسَاۃٌ فِی الْاَثَرِ رواه الترمذی عن ابی هریره یعنی قرابتهای خود را دانسته باشید تا صله رحم کنید صله رحم موجب محبت ست در اهل و موجب زیادتست در مال و بقاء ذکر و قاطع رحم را سوای آنکه عذاب باشد در آخرت وبال در دنیا هم لاحق شود و رسول فرمود صلعم مَا مِنْ ذَنْبٍ اَحْرٰی اَنْ یُّعَجِّلَ اللّٰهُ لِصَاحِبِهِ الْعُقُوْبَةَ فِی الدُّنْیَا مَعَ مَا یَدَّخِرُ لَهٗ فِی الْاٰخِرَةِ مِنَ الْبَغْیِ وَقَطِیْعَةِ الرَّحِمِ رواه الترمذی و ابوداود عن ابی بکرة یعنی گناهی نیست لائق تر بآنکه عقوبت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه ذخیره داشته شود عذاب برای او در آخرت از بغی کردن با پادشاه عادل و قطع کردن رحم و نیز بیهقی از ابی بکره روایت کرده که رسول فرمود صلعم کُلُّ الذُّنُوْبِ یَغْفِرُ اللّٰهُ مِنْهَا مَا شَاءَ اِلَّا عُقُوْقَ الْوَالِدَیْنِ فَاِنَّهٗ یُعَجِّلُ لِصَاحِبِهٖ فِی الْحَیٰوةِ قَبْلَ الْمَمَاتِ یعنی هر گناه که باشد می بخشد خدای تعالی از آن هر چه خواهد مگر عقوق والدین که بلکه جلد میرساند او را عذاب در زندگی پیش از مرگ

فصل و چون نظر بر حقوق پدر و مادر و صله برادران و خواهران و دیگر اقربا واجب شد نظر بر حقوق رسول صلعم و خلفا و پیران و استادان صله و نکوئی با جماعه سادات و مشائخ و فرزندان پیران و استادان هم ضرورست قال الله تعالی قُلْ لَّا اَسْئَلُكُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِی الْقُرْبٰی بگو ای محمد نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت مزدوری لیکن دوستی داشتن مر اقربای من شما را میباید و قال الله تعالی قل

حقوق پیران و استادان و فرزندان پیران و مشایخ و سادات است

إِنْ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ یعنی بگوای محمد کسانی را که خدارا ولد ثابت میکنند تعالی الله
عن ذلک اگر رحمن را اولاد میبود من اول عبادت او میکردم حق تعالی ازان منزه است ازین آیه مستفاد میشود
که هر کرا حقی بر ذمهٔ شخصی باشد باید که با اولاد او نیز ادای حق کند **سوال** از اولاد سادات و پیرزادگان
اگر کسی فاسق یا کافر یا رافضی باشد با او چه سلوک باید کرد **جواب** اگر فاسق باشند نصیحت باید کرد و ادای
حق باید نمود و اگر رافضی و مانند آن باشد که بکفر رساند با او دوستی نباید نمود حق تعالی میفرماید يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ
مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ یعنی ای مسلمانان دوستی نکنید با قومی که خدا غضب دارد بر آنها بدرستیکه نا امیدند از
آخرة چنانکه نا امید هستند کفار از اصحاب قبور و حق تعالی میفرماید در حق پسر نوح علیه السلام إِنَّهُ لَيْسَ
مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ و رسول فرمود صلعم إِنَّ آلَ أَبِي فُلَانٍ لَيْسُوا بِأَوْلِيَائِي
إِنَّمَا وَلِيِّيَ اللّٰهُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَلٰكِنْ لَهُمْ رَحِمٌ أَبُلُّهَا بِبَلَالِهَا متفق علیه عن عمرو بن
العاص یعنی آل ابی فلان نیستند مر اولیا و دوستان و دوست من خداست و صالح مسلمانان لیکن آنها را با من
قرابت صلهٔ رحم میکنم ازین حدیث مفهوم میشود که سادات و پیرزادگان و اقربای خود اگر کافر باشند یا رافضی
یا خارجی که بکفر رساند دوستی با آنها نباید کرد لیکن از صله و احسان دریغ نباید کرد قال الله تعالی لَا يَنْهَاكُمُ
اللّٰهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا
إِلَيْهِمْ یعنی بر کفار اهل ذمه هم احسان کردن و نکوئی کردن ممنوع نیست **فصل** و ملحق بحق والدین است
حق مرضعه که حق سبحانه تعالی حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب و جمع بین الاختین در نکاح
حرام است رضاعاً چنانچه بین الاختین نسباً حرام است تا موجب قطع نباشد ابی داود از ابی الطفیل روایت
کرده که رسول صلی الله علیه وسلم برای مرضعهٔ خود چادر خود فرش کرده بران نشانید **قسم ثالث** قسم
دیگر از حقوق حق کسانی که حق تعالی آنها را مظهر قهاری و مالکیت خود ساخته و آن حق سلطان مسلم و امیر مسلم
و حق قاضی است بر رعیت و حق شوهر بر زن و حق سید بر عبد و حق قهرمان خانه بر تمام اهل بیت که بند و بست
ملک و شهر و خانه بوحدت قهری تعلق دارد **فصل** اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر لشکر واجب است
بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم نکنند اگرچه خلاف طبع آنها باشد قال الله تعالی أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

فصل مرضعه
قسم ثالث حقوق سلطان و امیر و شوهر

وَاُولِی الْاَمْرِ مِنْکُمْ سلطان ہم داخل اولی الامر ند و رسول فرمود صلی اللہ علیہ وسلم مَنْ اَطَاعَنِیْ فَقَدْ
اَطَاعَ اللّٰہَ وَمَنْ عَصَانِیْ فَقَدْ عَصَی اللّٰہَ وَمَنْ یُّطِعِ الْاَمِیْرَ فَقَدْ اَطَاعَنِیْ وَمَنْ یَّعْصِ
الْاَمِیْرَ فَقَدْ عَصَانِیْ وَاِنَّمَا الْاِمَامُ جُنَّةٌ یُقَاتَلُ مِنْ وَّرَآئِهٖ وَیُتَّقٰی بِهٖ فَاِنْ اَمَرَ بِتَقْوَی اللّٰہِ وَعَدَلَ
فَاِنَّ لَهٗ بِذٰلِکَ اَجْرًا وَاِنْ قَالَ بِغَیْرِهٖ فَاِنَّ مِنْهُ عَلَیْهِ وزرا متحد و فست متفق علیہ عن ابی ہریرہ
یعنی ہر کہ فرمان برداری من کرد فرمان برداری خدا کرد و ہر کہ نافرمانی من کرد نافرمانی خدا کرد و ہر کہ فرمان
برداری امیر کرد فرمان برداری من کرد و ہر کہ نافرمانی امیر کرد نافرمانی من کرد پادشاہ نیست مگر سپر
مردم باکفار جنگ کنند و بوی پناہ میجویند پس اگر امر بتقوی و عدل کرد پس او را ثواب باشد
اگر چیزی دیگر گفت پس بر وی باشد یعنی گناہ و فرمود آن سرور علیہ السلام اِسْمَعُوْا وَاَطِیْعُوْا وَاِنِ
اسْتُعْمِلَ عَلَیْکُمْ عَبْدٌ حَبَشِیٌّ کَاَنَّ رَاْسَهٗ زَبِیْبَةٌ رواہ البخاری عن انس یعنی بشنوید و فرمان
برداری کنید امیر را اگرچہ حاکم کردہ شود بر شما غلام حبشی کہ سر او مثل دانہ انگور سیاہ و خرد باشد فرمود اَلسَّمْعُ
وَالطَّاعَةُ عَلَی الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ فِیْمَا اَحَبَّ وَکَرِهَ مَا لَمْ یُؤْمَرْ بِمَعْصِیَةٍ فَاِذَا اُمِرَ بِمَعْصِیَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ
متفق علیہ عن ابن عمر و عن علی نحوہ یعنی حکم امیر شنیدن و طاعت کردن واجب است بر ہر مرد مسلمان در انچہ خوش
آید او را یا ناخوش تا وقتیکہ امر کردہ شود بمعصیت پس وقتیکہ امر کردہ شود بگناہ پس جائز نیست سمع و طاعت و
فرمود صلی اللہ علیہ وسلم مَنْ رَاٰی مِنْ اَمِیْرِهٖ شَیْئًا یَکْرَهُهٗ فَلْیَصْبِرْ فَاِنَّهٗ لَیْسَ اَحَدٌ یُفَارِقُ
الْجَمَاعَةَ شِبْرًا فَیَمُوْتُ اِلَّا مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً متفق علیہ عن ابن عباس یعنی ہر کہ بیند از حاکم خود
چیزی کہ مکروہ داند آنرا پس باید کہ صبر کند بدرستیکہ نیست کسی کہ بغی کند و جدا شود از جماعت مسلمانان بقدر
یک وجب پس بمیرد دران حال مگر آنکہ مردہ باشد مانند مردن جاہلیت و فرمود اِنَّکُمْ سَتَرَوْنَ بَعْدِیْ اَثَرَةً
وَاُمُوْرًا تُنْکِرُوْنَهَا قَالُوْا فَمَا تَاْمُرُنَا یَا رَسُوْلَ اللّٰہِ قَالَ اَدُّوْا اِلَیْهِمْ حَقَّهُمْ وَاسْئَلُوا
اللّٰہَ حَقَّکُمْ متفق علیہ عن ابن مسعود یعنی قریب است کہ خواہید دید از پادشاہان بعد من نفس پروری و چیز ہا کہ شما
ناخوش دارید یاران گفتند پس چہ میفرمائی ما را فرمود کہ حق آنہا ادا کنید و حق خود از خدا خواہید یاران گفتند
یا رسول اللہ اگر باشند امرا کہ حق خود از ما طلب کنند و حق ما ندہند فرمود اِسْمَعُوْا وَاَطِیْعُوْا فَاِنَّمَا
عَلَیْهِمْ مَا حُمِّلُوْا وَعَلَیْکُمْ مَا حُمِّلْتُمْ رواہ مسلم عن وائل بن حجر یعنی بشنوید حکم آنہا و فرمان بردار

کنید پس هر یکی که واجبست بر آنها انچه حق تعالی بر ذمهٔ آنها واجب کرده است از عدالت و غیب پرورو و ادا کن بر شما انچه بر شما واجب کرده است یعنی اطاعت و فرمانبرداری **فصل** اگر قاضی حکم کند موافق شرع واجبست که بطیب خاطر آنرا قبول کرده شود که حق تعالی میفرماید فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا یعنی بخدا ایمان نخواهند آورد تا آنکه حاکم گردانند ترا در انچه منازعت شود بیشتر نیابند در دلهای خود تنگی و ناخوشی از انچه حکم کنی و قبول کنند قبول کردنی در هدایه گفته که اگر قاضی گوید حکم کردم برین که این را سنگسار کن یا دست قطع کن یا دره بزن جائزست بجا آوردن آن و امام ابو منصور گفته که اگر قاضی عالم و عادل باشد بجا آرد و اگر جاهل و عادل باشد وجه آن بپرسد پس اگر وجه معقول گفت بجا آرد و الا نکند و اگر فاسق است بجا نیارد مگر وقتیکه سبب حکم او ببیند

فصل در حق شوهر بر زن احادیث بسیار اند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم لَوْ كُنْتُ آمِرًا لِأَحَدٍ أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا رواه الترمذی و ابو داود و نحوه از قیس بن سعد و احمد از معاذ و ابوهریره یعنی اگر امر میکردم کسی را که سجده کند بکسی هر آینه امر میکردم زن را که سجده کند شوهر خود را و ترمذی از ام سلمه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر زنی که مرد و شوهرش ازو راضی است داخل بهشت شود ابو نعیم در حلیه از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر زنی که نماز پنجگانه خواند و روزه ماه رمضان گذارد و عفت ورزد و فرمانبرداری شوهر کند داخل شود به بهشت از هر در که خواهد و احمد از عائشه روایت کرده که آنحضرت فرمود اگر برای سجده کسی را حکم میکردم زن را حکم میکردم که سجده کند شوهر خود را و اگر شوهر زن را حکم کند که از کوه سیاه بکوه سفید و از کوه سفید بکوه سیاه سنگها ببرد باید که همچنان کند ترمذی و ابن ماجه از معاذ روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اگر زنی شوهر خود را آزار رساند حوران بهشت میگویند لعنت کند بر تو خدا نیست این شخص نزد تو مگر مهمان قریبست که از تو جدا شود بسوی ما

فصل در حق سید بر عبد فرمود رسول صلی الله علیه وسلم إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا نَصَحَ سَيِّدَهُ وَأَحْسَنَ عِبَادَةَ اللّٰهِ فَلَهُ أَجْرُهُ مَرَّتَيْنِ متفق علیه عن عبد الله بن عمر یعنی بدرستیکه غلام اگر خیرخواهی مالک خود کند و نیک کند عبادت خدا دو چندان ثواب یابد و فرمود آنحضرت

فصل در حکم القضاء

فصل در حق الزوج علی الزوجه

فصل در حق السید علی العبد

نِعِمَّا لِلْمَمْلُوكِ أَنْ يَتَوَفَّاهُ اللّٰهُ بِحُسْنِ عِبَادَةِ رَبِّهِ وَطَاعَةِ سَيِّدِهِ وَنِعِمَّا لَهُ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی خوشحال بندهٔ مملوک که بمیرد و نیک کند عبادت پروردگار خود و فرمان برداری مالک خود خوشحال او و فرمود آنسرور علیه السلام إِذَا أَبَقَ الْعَبْدُ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلٰوةٌ وَفِي رِوَايَةٍ أَيُّمَا عَبْدٍ أَبَقَ مِنْ مَوَالِيهِ فَقَدْ كَفَرَ حَتّٰى يَرْجِعَ إِلَيْهِمْ رواه مسلم عن جریر یعنی اگر غلام بگریزد نماز او قبول نشود و در روایتی هر غلامیکه بگریزد از مالکان خود بتحقیق کافر شود تا وقتیکه باز نیاید نزد ایشان یعنی کافر نعمت باشد و بیهقی از جابر روایت کرده که رسول فرمود صلعم سه کس نماز قبول نشود غلامی که بگریزد تا که باز نزد مالک خود آید و زنی که شوهرش بر و ناخوش باشد و مست تا که بهوش آید و فرمود صلی الله علیه وسلم لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَبَّبَ امْرَأَةً عَلٰى زَوْجِهَا أَوْ عَبْدًا عَلٰى سَيِّدِهٖ رواه ابو داود عن ابی هریرة یعنی نیست از ما کسی که ورغلاند و فاسد کند زنی را بر شوهرش و غلامی را بر مالک او **قسم چهارم** قسمی دیگر از حقوق عباد حق رعیت است بر سلطان و امیر و قاضی و حق زوجه بر شوهر و حق پرورش و تربیت فرزندان صغیر بر پدر و مادر و حق مملوک بر مالک که اینهمه ودائع حقند حق سبحانه تعالی بر ذات بی نیاز خود برای مملوکان و بندگان خود رحمت واجب کرده پس کسی راکه در دنیا راعی ساخته و مالک گردانیده بر وی هم واجب ساخته قال رسول الله علیه الصلوٰة والسلام أَلَا كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهٖ فَالْإِمَامُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهٖ وَالرَّجُلُ عَلٰى أَهْلِ بَيْتِهٖ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهٖ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلٰى بَيْتِ زَوْجِهَا وَوَلَدِهٖ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَعَبْدُ الرَّجُلِ رَاعٍ عَلٰى مَالِ سَيِّدِهٖ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهٖ متفق علیه عن عبد الله ابن عمر یعنی آگاه باشید که هر یکی از شما راعی است و هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد از رعیت او که بحال آنها پرداخته یا آنهارا ضائع و مهمل گذاشته پادشاه بر تمام مردمان راعیست سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد و اهلبیت خود را راعیست از انها سوال کرده خواهد شد و زن بر خانهٔ شوهر و اولاد او راعیست از انها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی راعیست از ان سوال کرده خواهد شد

فصل

در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مَا مِنْ وَالٍ يَلِي رَعِيَّةً مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَمُوتُ وَهُوَ غَاشٌّ لَهُمْ إِلَّا حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ متفق علیه

فصل فی حق الرعیة علی السلطان

عن معقل بن یسار یعنی نیست کسی والی که بر رعیتی از مسلمانان والی باشد پس بمیرد درحالیکه خیرخواهی رعیت نکرده
باشد مگر آنکه حق تعالی بروی بهشت احرام کرده و فرمود اللهم من ولی من امر امتی شیئا
فشق علیهم فاشقق علیه ومن ولی من امر امتی شیئا فرفق بهم فارفق رواه مسلم
عن عائشة یعنی ای بار خدا هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس سختی کرد برانها پس سختی کن
بروی و هر که والی شود از کارهای امت من چیزی را پس با نها نرمی و مهربانی کند تو بروی نرمی و مهربانی
کن و مسلم از عبد الله بن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم عادلان بر منبرهای نور باشند نزد حق تعالی
آنها که عدل کنند در حکم و اهل نها و در آنچه والی کرده شدند و دارمی از ابهیره از آنحضرت علیه السلام آورده
که فرمود نباشد سر گروه ده کس مگر آنکه آورده شود در روز قیامت بسته تا که بکشاید او را عدل یا هلاک کند
او را ظلم و فرمود ان احب الناس الی الله یوم القیامة واقربهم منه مجلسا امام
عادل وان ابغض الناس الی الله یوم القیامة واشدهم عذابا امام جائر رواه
الترمذی عن ابی سعید یعنی بدرستیکه محبوب ترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت و نزدیکترین مردمان بسوی
خدا از روی مرتبه پادشاه عادل باشد و بدرستیکه ناخوش ترین آدمیان بسوی خدا روز قیامت و سخت تر در
عذاب پادشاه ظالم باشد و فرمود ان السلطان ظل الله فی الارض یاوی الیه کل مظلوم
من عباده فاذا عدل کان له الاجر وعلی الرعیة الشکر واذا جار کان علیه الاصر
وعلی الرعیة الصبر رواه البیهقی عن ابن عمر یعنی پادشاه سایه خداست در زمین می آید بسوی او
هر مظلوم از بندگان حق پس اگر عدل کرد او را ثواب باشد و بر رعیت شکر واجب شود و اگر ظلم کرد بروی
عذاب و بر رعیت صبر واجب شود **فصل** بر قاضی حکم بحق فرضست و حکم خلاف شرع قریب کفر و ظلم و
فسق که الله تعالی فرمود ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون فاولئک هم
الظالمون فاولئک هم الفاسقون رسول فرمود صلعم القضاة ثلثة واحد فی الجنة
واثنان فی النار فاما الذی فی الجنة فرجل عرف الحق فقضی به ورجل
عرف الحق فجار فی الحکم فهو فی النار ورجل قضی للناس علی جهل فهو
فی النار رواه ابو داود وابن ماجه عن بریدة یعنی قاضیان سه قسمند یکی آنکه عالم باشد بحق و حکم

بحق کند این در بهشت باشد و دوم آنکه عالم باشد و حکم نکند بحق سوم آنکه جاهل باشد این هردو در دوزخ باشند رواه
ابوداود از ابوهریره روایت کرده هرکه قاضی شود پس عدل او برجور غالب باشد او را بهشت ست و هرکه غالب
شود جور او بر عدل او در دوزخ باشد **فصل** درحق زن بر شوهر حق تعالی میفرماید وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي
عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ یعنی زنان را بر ذمه مردان حقیست چنانچه مردان را بر زنان حقیست و رسول کریم
میفرماید اِنَّ مِنْ اَكْمَلِ الْمُؤْمِنِيْنَ اِيْمَانًا اَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَاَلْطَفُهُمْ بِاَهْلِهٖ رواه الترمذی عن
عایشه و روی الترمذی عن ابیهریره نحوه یعنی از کاملترین مومنان در ایمان کسی باشد که خوبترست از روی
خلق و مهربان ترست بر اهل خود و فرمود خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِاَهْلِهٖ وَاَنَا خَيْرُكُمْ لِاَهْلِيْ رواه الترمذی
عن عایشه یعنی بهترین شما کسی ست که بهترست بر اهل خود و من بهترم برای اهل خود و معاویه قشیری از رسول کریم
پرسید که چیست حق زن بر شوهر فرمود که بخورانی چون خود بخوری و بپوشانی چون خود بپوشی و نزنی بر روی
او و بد نگو او را و دور نکنی او را تنها گذاشته نزد وی مگر در خانه باشی رواه احمد و ابوداود و ابن ماجه و فرمود آنحضرت
روزی امشب زنان بسیار بخانه من آمدند و شکایت شوهران خود میکردند آن مردان خوب کسان نیستند رواه ابوداود
وابن ماجه والدارمی عن ایاس بن عبدالله **فصل** درحق شفقت بر فرزندان رسول کریم فرمود صلعم مَنْ
عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتّٰى تَبْلُغَا جَاءَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَنَا وَهُوَ هٰكَذَا وَضَمَّ اَصَابِعَهٗ رواه مسلم عن انس یعنی
هرکه پرورش کند دو دختر را تا که بالغ شوند بیاید روز قیامت من و او انچنین و دو انگشت مبارک باهم ضم کرد
و در صحیحین از عایشه مرویست که زنی نزد من آمد و با او دو دختر بودند از من سوال کرد نزد من چیزی نیافت
مگر یک خرما پس دادم او را پس آن زن خرما را درمیان هر دو دختر تقسیم کرده داد و خود هیچ نخورد و رفت پس چون
نبی صلی الله علیه وسلم آمد و قصه عرض کردم فرمود مَنِ ابْتُلِيَ مِنْ هٰذِهِ الْبَنَاتِ بِشَيْءٍ فَاَحْسَنَ اِلَيْهِنَّ
كُنَّ لَهٗ سِتْرًا مِنَ النَّارِ یعنی هرکه مبتلا شود از دختران بچیزی یعنی چند دختران داشته باشد و با آنها نیکی کند
او را پرده شوند از آتش و هم در صحیحین از عایشه مرویست که یک اعرابی نزد رسول صلعم آمد و گفت که شما
طفلان بوسه میکنید ما بوسه نمیکنیم آنحضرت فرمود او را اَوَاَمْلِكُ لَكَ اَنْ نَزَعَ اللّٰهُ مِنْ قَلْبِكَ الرَّحْمَةَ
یعنی اگر خدا تعالی از دل تو رحم و شفقت دور کرده من چه میتوانم کرد **فصل** درحق مملوکان رسول کریم فرمود
صلعم اِخْوَانُكُمْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ تَحْتَ اَيْدِيْكُمْ فَمَنْ جَعَلَ اللّٰهُ اَخَاهُ تَحْتَ يَدَيْهِ فَلْيُطْعِمْهُ مِمَّا

يَأْكُلُ وَلْيُلْبِسْهُ مِمَّا يَلْبَسُ وَلَا يُكَلِّفْهُ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَلَّفَهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيُعِنْهُ عَلَيْهِ
متفق علیه عن ابی ذر یعنی برادران شما اند کرده است آنها را الله تعالی زیردست شما پس هر کرا حق تعالی برادر او را زیردست او کند باید
که بخوراند او را آنچه خود بخورد و بپوشاند او را آنچه خود بپوشد و تکلیف نه دهد او را بکاری که بروی شاق باشد
واگر بکاری شاق امر کند خود هم مددگار او کند بران کار فرمود إِذَا صَنَعَ لِأَحَدِكُمْ خَادِمُهُ طَعَامَهُ
ثُمَّ جَاءَهُ وَقَدْ وَلِيَ حَرَّهُ وَدُخَانَهُ فَلْيُقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْفُوهًا
قَلِيلًا فَلْيَضَعْ فِي يَدِهِ مِنْهُ أُكْلَةً أَوْ أُكْلَتَيْنِ رواه مسلم عن ابی هریرة یعنی وقتیکه طیار کند برای
یکی از شما خادم او طعامی پس بیارد آن طعام و بدرستیکه گرمی آتش و دود او برداشته است پس باید که بنشاند او را
همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که نهد در دست او یک لقمه یا دو لقمه فرمود وَمَنْ قَذَفَ
مَمْلُوكَهُ وَهُوَ بَرِيءٌ مِمَّا قَالَ جُلِدَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ متفق علیه عن ابی هریرة یعنی هر که نسبت زنا کند مملوک خود را
و او پاک باشد ازان او را حق تعالی روز قیامت حد قذف زند و فرمود مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدًّا لَمْ
يَأْتِهِ أَوْ لَطَمَهُ فَإِنَّ كَفَّارَتَهُ أَنْ يُعْتِقَهُ رواه مسلم عن ابن عمر یعنی هر که زند غلام خود را حدی و او
موجب حد نکرده است یا او را طپانچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود رضی الله عنه
روایت کرده که من غلام خود را میزدم از پس پشت آوازی شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی بر تو قادر
ترست از آنچه تو برین غلام قدرت داری چون پس پشت دیدم رسول خدا بود صلی الله علیه وسلم گفتم یا رسول الله این را
برای خدا آزاد کردم فرمود اگر اینچنین نمیکردی آتش بتو میرسید آخر کلام رسول در مرض موت او بود
الصَّلٰوةَ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ رواه البیهقی فی شعب الایمان عن ام سلمة و احمد و ابوداود عن علی نحوه
یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت صلعم ثَلٰثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ يَسَّرَ اللهُ حَتْفَهُ وَأَدْخَلَهُ
جَنَّتَهُ رِفْقٌ بِالضَّعِيفِ وَشَفَقَةٌ بِالْوَالِدَيْنِ وَإِحْسَانٌ إِلَى الْمَمْلُوكِ رواه الترمذی عن جابر
یعنی سه صفت هر که در وی باشد حق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت سازد مهربانی بر ضعیفان
و شفقت بر پدر و مادر و نکوئی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله چند بار از خادم عفو تقصیر
استفهام است ١٢
کنم آنحضرت دو بار جواب نداد مرتبه سوم فرمود که هر روز هفتاد بار ببخشید رواه الترمذی عن عبدالله بن عمرو
ابوداود عن ابن عمر و فرمود آنحضرت صلعم آگاه باشید خبر دهم شما را به بدترین شما بدترین شما کسی است که

میخورد تنها و نیز مملوک خود را و نه هر فرد خود را رواه رزین عن ابی هریرة یعنی فرد اعانت و مدد گاری است در قربیر رسم بود که هر کس بقدر طاقت خود مال می آورد پس مال بسیار جمع میشد پس از ان طعام و شمش خرید میکردند و در هم هیچ مردم امیخورانیدند و شربت مینوشانیدند پس فرد عبارتست از مالی که اهل شهر جمع کرده بجای می صادر و وارد و مساکین نگاه دارند **فصل** مملوک اگر جانور باشد برانهم احسان ضرورست رسول کریم صلعم شتر لاغر دیده فرمود اتَّقُوا اللّٰهَ فِي هٰذِهِ الْبَهَائِمِ الْمُعْجَمَةِ فَارْكَبُوْهَا صَالِحَةً وَاتْرُكُوْهَا صَالِحَةً رواه ابوداود عن سهل بن حنظلة یعنی بترسید از خدا در حق این جانوران بی زبان سوار کنید برانها نیکو و بگذارید آنها را نیکو

قسم پنجم قسمی دیگر از حقوق العباد حق همسایه و همصحبت و هم سفر است که مظهر قرب او تعالی است قال الله تعالی وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلَا تُشْرِكُوْا بِهٖ شَيْئًا وَّبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَّبِذِي الْقُرْبٰى وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبٰى وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْۢبِ وَابْنِ السَّبِيْلِ وَمَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ یعنی عبادت کنید خدا را و شریک مکنید در عبادت او چیزی را و نکوئی کنید با پدر و مادر نکوئی کردنی و با صاحب قرابت و یتیمان و مسکینان و همسایه که قریب باشد همسایگی او یعنی خانه متصل باشد یا آنکه همسایه باشد و قرابت در نسب یا در دین داشته باشد و همسایه که بیگانه باشد و یار همصحبت و ابن عباس مجاهد و عکرمه گفته که صاحب بالجنب همسفر باشد و علی رضی الله عنه و ابن مسعود گفته اند که مراد از ان زنست و مسافران یعنی گویند که از ابن السبیل مهمان مرادست و مملوکان خود را رسول فرمود صلعم الْجِيْرَانُ ثَلٰثَةٌ فَجَارٌ لَهٗ ثَلٰثَةُ حُقُوْقٍ حَقُّ الْجِوَارِ وَحَقُّ الْقَرَابَةِ وَحَقُّ الْاِسْلَامِ وَجَارٌ لَهٗ حَقَّانِ حَقُّ الْجِوَارِ وَحَقُّ الْاِسْلَامِ وَجَارٌ لَهٗ حَقٌّ وَاحِدٌ وَهُوَ الْمُشْرِكُ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ رواه ابونعیم فی الحلیة والحسن بن سفیان والبزازی فی مسندیهما عن جابر یعنی همسایگان سه قسم اند یکی همسایه است که او را سه حقست حق جوار و حق قرابت و حق اسلام و یک همسایه را دو حقست حق جوار و حق اسلام و یک همسایه را یک حق است که مشرک باشد از اهل کتاب و ابن عدی از عبدالله بن عمر نیز همچنین روایت کرده که رسول فرمود صلعم

كَمْ مِنْ جَارٍ يَتَعَلَّقُ بِجَارِهٖ فَيَقُوْلُ يَا رَبِّ اسْئَلْ هٰذَا لِمَ اَغْلَقَ عَنِّيْ بَابَهٗ وَمَنَعَنِيْ فَضْلَهٗ رواه الاصفهانی عن ابن عمر یعنی بسیار همسایه باشد که بگیرد همسایه خود را و بگوید ای پروردگار بپرس ازین چرا بند کرد دروازه خود را از من و نداد مرا پس خورده خود و بخاری از ابن عمر روایت کرده که

رسول فرمود صلعم که همیشه جبرئیل مرا برای همسایه وصیت میکند حتی که گمان بردم که قریبست که حق تعالی او را
وارث گرداند و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلعم وقتی که گوشت بپزی شوربا زیاده کن
و همسایگان را ضیافت کن عائشه رضی الله عنها از رسول صلعم پرسید که یا رسول الله مرا دو همسایه اند بکدامی از انها هدیه
کنم فرمود هرکه نزدیکتر باشد دروازهٔ او فرمود رسول صلعم مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُحْسِنْ
إِلٰى جَارِهٖ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهٗ وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ
بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ رواه البغوی وفی الصحیحین عن ابی هریرة
نحوه یعنی هرکه بخدا و روز قیامت ایمان داشته باشد پس باید که با همسایهٔ خود نکوئی کند و مهمان را گرامی دارد
وانچه نیک باشد سخن گوید یا خاموش ماند سخن بیفائده نگوید بدان اسعدک الله تعالی که چون همسایه را که در خانه
علحیده میباشد چنین حق ثابت شده پس همصحبت و همسفر را بالطریق اولی حق واجبست چنانچه بنا بر همصحبتی رسول
اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده و برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن واجبست که همنشینی
و دوستی با نیکان کند و با کافران و فاسقان نکند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مَثَلُ الْجَلِيْسِ الصَّالِحِ
وَالسُّوْءِ كَحَامِلِ الْمِسْكِ وَنَافِخِ الْكِيْرِ فَحَامِلُ الْمِسْكِ إِمَّا أَنْ يُحْذِيَكَ وَإِمَّا أَنْ تَبْتَاعَ
مِنْهُ وَإِمَّا أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا طَيِّبَةً وَنَافِخُ الْكِيْرِ إِمَّا أَنْ يُحْرِقَ ثِيَابَكَ وَإِمَّا
أَنْ تَجِدَ مِنْهُ رِيْحًا خَبِيْثَةً متفق علیه عن ابی موسی وفی روایة يُحْرِقَ بَيْتَكَ أَوْ ثَوْبَكَ أَوْ تَجِدُ
مِنْهُ رِيْحًا خَبِيْثَةً یعنی حال همسایهٔ نیک و همسایهٔ بد اینچنانست که همسایهٔ نیک مانند صاحب مشک است
یا ترا خواهد داد و یا تو ازو خرید خواهی کرد و ورنه بتو بوی از خوش خواهد رسید و همسایهٔ بد مانند سوزانندهٔ
بهٔ آتش آهنگریست که خانهٔ تو یا پارچهٔ تو خواهد سوخت و گرنه بوی بد ازو بتو خواهد رسید و همچنین حاکم
و ابوداود و انس از آنحضرت علیه السلام روایت کرده که همسایهٔ نیک مثل عطرفروش است اگر عطر بتو نخواهد
داد بوی بتو خواهد رسید و احمد و ابوداود و ترمذی و حاکم از ابی سعید خدری روایت کرده اند که فرمود
آنحضرت علیه السلام همنشینی مکن مگر با مسلمانان کامل الایمان و باید که طعام نخورد ترا مگر متقی و بنده
از ابوهریره روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم که آدم بر دین دوست خود میباشد
پس ببین که با که دوستی دارد بیهقی ... از آنحضرت مرویست که فرمود الْمُتَابِعُ

مَنْ اَحَبَّ یعنی انسان در آخرت با کسی باشد که او را دوست دارد و حق تعالی میفرماید اَلْاَخِلَّاءُ یَوْمَئِذٍ
بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِیْنَ یعنی دوستان در قیامت باہم دشمن شوند مگر متقیان و حق تعالی میفرماید
که مردم در روز قیامت بر دوستی کردن با بدان حسرت خواهند کرد و خواهند گفت یَا وَیْلَتٰی لَیْتَنِیْ لَمْ اَتَّخِذْ
فُلَانًا خَلِیْلًا ای هلاکی من کاشکی من نمیگرفتم فلان کس را دوست مولوی روم میگوید شعر

دور شو از اختلاط یار بد * یار بد بدتر بود از مار بد * مار بد تنها همین بر جان زند * یار بد بر جان و بر ایمان زند *
صحبت صالح ترا صالح کند * صحبت طالح ترا طالح کند * نار (یعنی انار) خندان باغ را خندان کند * صحبت نیکانت از نیکان کند *

در صحیحین از ابو هریره رض مرویست که در حدیث طویل از رسول کریم در حق جماعت ذکر کنندگان که چون حق تعالی
بر آنها رحمت کند و ببخشاید تمام همنشینان آنها را ببخشاید فرشته از فرشتگان گوید ای پروردگار مردیست
گنهگار از آنها نیست برای کاری آمده و نزد آنها نشست حق تعالی فرماید که او را هم بخشیدم آن قومیست که
همنشین شان بدبخت نباشد و لهذا رسول کریم صلی الله علیه وسلم از همنشین بد و همسایه بد پناه جسته طبرانی
از عقبه بن عامر روایت کرده که رسول صلعم در دعای خود میگفت اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ یَوْمِ
السُّوْءِ وَمِنْ سَاعَةِ السُّوْءِ وَمِنْ لَیْلَةِ السُّوْءِ وَمِنْ صَاحِبِ السُّوْءِ وَمِنْ جَارِ السُّوْءِ
فِیْ دَارِ الْمُقَامَةِ یعنی الهی پناه میجویم بتو از روز بدی از ساعت بدی از شب بدی یعنی از روز
و شبی و ساعتی که در آن بدی واقع شود و از همنشین بدی و همسایه بدی یعنی همنشین و همسایه که مصدر بدی باشد
همسایه که در خانه اقامت همسایه باشد و برای احتراز همسایه بد رسول کریم در بیع حق شفعه واجب کرده فائده شفیع
باید که اگر مشتری نیک مرد است طلب شفعه نکند و اگر بد است از خریدار راضی نشود قسم ششم قسمی دیگر از حقوق العباد حق عامه مسلمین است
حق کسی است که عاجز و ضعیف و یتیم و مسکین یا بیمار یا بیوه و حق سائل است و حق مسافر و مهمان که وارد شود
قال الله تعالی وَاٰتَی الْمَالَ عَلٰی حُبِّهٖ ذَوِی الْقُرْبٰی وَالْیَتٰمٰی وَالْمَسٰکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ
وَالسَّآئِلِیْنَ وَفِی الرِّقَابِ و فرموده وَاٰتِ ذَا الْقُرْبٰی حَقَّهٗ وَالْمِسْکِیْنَ وَابْنَ السَّبِیْلِ یعنی نیکو
کسی ست که داد مال بر دوستی خدا ذوی القربی و یتیمان و مسکینان و مسافران و سائلان و در آزاد
کردن بندگان و فرمود حق تعالی فَاَمَّا الْیَتِیْمَ فَلَا تَقْهَرْ وَاَمَّا السَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ یعنی یتیم را قهر مکن و سائل
کننده را زجر مکن و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اَنَا وَکَافِلُ الْیَتِیْمِ فِی الْجَنَّةِ هٰکَذَا - و احمد

والبخاری وابوداود والترمذی عن سهل بن سعد یعنی من و بار بردارندهٔ یتیم در جنت اینچنین باشند واشارت
کرد بدو انگشت خود و فرمود مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ الْاٰخِرِ فَلْیُکْرِمْ ضَیْفَهُ جَائِزَتُهُ یَوْمٌ
وَلَیْلَةٌ وَضِیَافَتُهُ ثَلٰثَةُ اَیَّامٍ فَمَا بَعْدَ ذٰلِکَ فَهُوَ صَدَقَةٌ متفق علیه عن ابی شریح الکعبی یعنی هر که ایمان
دارد بخدا و روز قیامت پس باید که گرامی کند مهمان خود را یک شبانروز در مهمانی او تکلف باید نمود و مهمانی
تا سه روز است و بعد ازان صدقه است و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم لِلسَّائِلِ حَقٌّ وَاِنْ جَاءَ عَلَی
الْفَرَسِ رواه ابوداود عن الحسین بن علی رضی الله عنهما واحمد عن الحسین یعنی سوال کننده را حق میباشد اگرچه
بر اسپ سوار شده آمده باشد یعنی اگرچه غنی باشد حالانکه سوال کردن غنی را حرام است و رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم لِلْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ سِتَّةٌ بِالْمَعْرُوْفِ یُسَلِّمُ عَلَیْهِ اِذَا لَقِیَهُ وَیُجِیْبُهُ اِذَا
دَعَاهُ وَیُشَمِّتُهُ اِذَا عَطَسَ وَیَعُوْدُهُ اِذَا مَرِضَ وَیَتْبَعُ جَنَازَتَهُ اِذَا مَاتَ وَیُحِبُّ
لَهُ مَا یُحِبُّ لِنَفْسِهِ رواه احمد والترمذی وابوداود عن علی والنسائی عن ابی هریرة رض نحوه یعنی
مسلمان را بر مسلمان شش حق اند سلام گوید بروی چون ملاقات کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول
دعوت او کند و یرحمک الله گوید چون حمد کند بعد عطسه و بیمارپرسی کند چون بیمار شود و همراه جنازهٔ او رود
چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای نفس خود و اصفهانی از علی رضی الله عنه از آن
سرور علیه السلام روایت کرده که فرمود بدرستیکه اگر یکی از شما بگذارد تشمیت یعنی یرحمک الله گفتن برادر
خود را وقتیکه عطسه کند و الحمد لله گوید پس مطالبه خواهد کرد او را روز قیامت و همچنین ابونعیم از سعید بن
جبیر روایت کرده و مسلم از ابی موسی روایت کرده که اگر کسی بعد عطسه الحمد لله گوید او را یرحمک الله بگویید و اگر
نگوید نگویید و در صحیحین از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که پرهیز کنید از نشستن بر راهها
یاران گفتند یا رسول الله از نشستن بر راهها چاره نداریم فرمود که پس حق ادا کنید راه را گفتند که حق راه چیست
فرمود که چشم بستن از حرام و اذیت نرسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بمشروع و نهی کردن از نامشروع
و ابوداود از عمر درین قصه زیاده کرده و فریادرسی کنید رنج رسیده را و راه نمایید گم شده را قال الله تعالی
وَاِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوْا بِاَحْسَنَ مِنْهَا اَوْ رُدُّوْهَا اِنَّ اللّٰهَ کَانَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ حَسِیْبًا
یعنی وقتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گویید مثل آن یا بهتر ازان یعنی در جواب السلام علیکم گویید علیکم السلام

[illegible]

یا ضم کنید با وی ورحمة الله یا و رحمة الله وبرکاته مسلم از ابی هریره رض روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و
سلم داخل بهشت نخواهید شد تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهد شد تا که باهم دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما
بچیزیکه باهم دوست شوید افشوا السلام علیکم یعنی بسیار کنید سلام باهم و بیهقی از ابن مسعود از آنحضرت روایت کرد
که کسی که اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت پرسید که از خصلتهای اسلام کدامی بهترست فرمود
بخورانی طعام و بخوانی سلام به هر که شناسی یا نشناسی آیه کریمه اذا حییتم اگرچه در حق سلام وارد شده لیکن بعموم
لفظ دلالت دارد بر آنکه مسلمانی با مسلمانی هرچه سلوک نیک کند مانند فرستادن هدیه یا ذکر خیر یا اشاره
سلام بدست یا بسر یا تواضع یا استادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت باشد ثانی را باید که
مکافات آن مثل آن کند یا بهتر از آن کند کلمهٔ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ حَسِیْبًا بران دلالت دارد یعنی حق تعالی
بر هر چیز حساب کننده است احمد و ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت فرمود تمام تحیهٔ شما مصافحه است و آنحضرت
فرموده باهم مصافحه کنید کینه دور شود و باهم هدیه بفرستید محبت زیاده شود و کینه بر طرف گردد و فرمود آنحضرت
که اگر دو مسلمان باهم مصافحه کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد آنحضرت ابوذر را در بغل گرفته فرمود که این عمل بسیار
خوبست رواه ابو داود و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم لَا یَحِلُّ لِلرَّجُلِ اَنْ یَّهْجُرَ اَخَاهُ فَوْقَ
ثَلَاثٍ یَلْتَقِیَانِ فَیُعْرِضُ هٰذَا وَیُعْرِضُ هٰذَا وَخَیْرُهُمَا الَّذِیْ یَبْدَءُ بِالسَّلَامِ متفق علیه
عن ابی ایوب الانصاری یعنی حلال نیست مردی را که ترک ملاقات کند برادر خود را زیاده از سه [illegible] قی
شوند هر دو پس اعراض کنند از یکدیگر بهتر از انها کسی است که سبقت کند در سلام و ابو داود از عایشه از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که فرمود که مسلمان را جایز نیست که زیاده از سه روز ترک کند برادر را پس
وقتیکه یکی با دیگری ملاقات کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد گناه هر دو را بر خود گرفت و احمد و ابو داود
از ابی هریره رض روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود مسلمان را
زیاده از سه روز ترک کند اگر زیاده از سه روز ترک کند و بمیرد داخل دوزخ شود و ابو داود از ابو هریره رض
در روایت دیگر بعد مضمون مذکور نقل کرده چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید
بروی اگر او جواب داد هر دو داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر دوم باقی ماند و او از گناه هجر
کرد بیرون شد و فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم اِیَّاکُمْ وَالظَّنَّ فَاِنَّ الظَّنَّ اَکْذَبُ الْحَدِیْثِ

وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللّٰهِ اِخْوَانًا

وَفِي رِوَايَةٍ وَلَا تَنَافَسُوا عن ابی هریرة یعنی دور باشید از بدگمانی که بدگمانی دروغ ترین سخنهاست یعنی اگر شخصی عیب کسی گوید نشنوید و جاسوسی مکنید یعنی تجسس عیبهای مردم سعی کرده دریافتن و باهم حسد مکنید که از دیدن خوبی دیگری ناخوشی بر دارید و باهم بغض و عداوت مکنید و باهم تقاطع مکنید یعنی یکی بدیگری پشت کند و از وی رو گردانند و باشید بندگان خدا باهم برادر و در روایتی آمده ولا تنافسوا یعنی هر کس شیئی نفیس بسوی خود کشد و دیگری را در آن شرکت نخواهد و آنحضرت فرمود که درهای بهشت روز دوشنبه و روز پنجشنبه گشاده میشود و حق تعالی هر مسلمان را می بخشند مگر آن دو کس را که باهم عداوت داشته باشند و گوید بگذارید اینها را تا که باهم صلح کنند رواه مسلم عن ابی هریرة مرویست که آنحضرت فرموده که روز قیامت مردی مردی را بگیرد او گوید که تو با من چه کار داری من ترا نمی شناسم آن مرد گوید که تو مرا بکار بد میدید یعنی نهی از منکر نمیکرد مگر در صورتیکه داند که او قبول نخواهد کرد و رسول فرمود صلعم لَا يَرْحَمُ اللّٰهُ مَنْ لَمْ يَرْحَمِ النَّاسَ متفق عليه عن جرير بن عبد الله یعنی رحم نمیکند خدا بر کسی که رحم نمیکند بر مردمان و فرمود اَلرَّاحِمُوْنَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمٰنُ اِرْحَمُوا مَنْ فِي الْاَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ رواه ابو داود والترمذی عن عبد الله بن عمر یعنی رحم کنندگان را رحمن رحم میکند رحم کنید بر کسانیکه در زمین اند رحم کند بر شما حق تعالی که حکم او جاریست در آسمان یا رحم کنند ملائکه آسمان و فرمود مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيْرَنَا وَلَمْ يُوَقِّرْ كَبِيْرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا رواه البخاری فی الادب و ابو داود عن ابن عمر یعنی هر که رحم نکند بر خردان ما و نشناسد حق بزرگ ما پس از ما نیست و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم نیست دروغگو کسی که صلح کناند در مردم و نیک گوید و برساند پیغام نیک این حدیث را در صحیحین از ام کلثوم بنت عقبه روایت کرده و احمد و ترمذی از اسماء بنت یزید روایت کرده که گفت رسول الله صلی الله علیه وسلم حلال نیست دروغ گفتن مگر سه جا دروغ گفتن با زن برای راضی کردن او و دروغ در جنگ کفار یعنی بقسمیکه غدر نباشد و دروغ گفتن برای صلح در مردم فرمود صلعم اَلَا اُخْبِرُكُمْ بِاَفْضَلَ مِنْ دَرَجَةِ الصِّيَامِ وَالصَّدَقَةِ وَالصَّلٰوةِ صاحبان گفتند بلی یا رسول الله فرمود اِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ وَفَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ رواه ابو داود والترمذی عن ابی الدرداء و قال هذا حدیث صحیح آنحضرت اصحاب را گفتند که خبر دهم شما را بچیزیکه

[illegible]

افضل باشد در درجه از روزه وصدقه ونماز اصحاب گفتند آری خبر ده یا رسول الله فرمود صلح کنانیدن
درمیان مردم افضل است از روزه وصدقه ونماز وفساد کردن درمردم حالقه است وفرمود آنحضرت
دَبَّ اِلَيْكُمْ دَاءُ الْاُمَمِ قَبْلَكُمْ اَلْحَسَدُ وَالْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ لَا اَقُوْلُ تَحْلِقُ الشَّعْرَ
لٰكِنْ تَحْلِقُ الدِّيْنَ رواه احمد والترمذی عن زبیر یعنی آمد بسوی شما مرضی که در امتهای پیشین بود باهم
حسد کردن وبغض نمودن این صفت حالقه است یعنی تراشنده ونمیگویم که موی را میتراشد بلکه دین
را میتراشد وفرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم پرهیز کنید از حسد بدرستیکه حسد میخورد نیکویها را چنانچه
میخورد آتش هیزم را رواه ابو داود عن ابی هریرة وفرمود آنحضرت علیه السلام اِيَّاكُمْ وَسُوْءَ ذَاتِ
الْبَيْنِ فَاِنَّهَا الْحَالِقَةُ رواه الترمذی عن ابی هریرة یعنی پرهیز کنید از بدی میان مردم که این صفت
تراشنده است دین را وفرمود آنحضرت مَنْ ضَارَّ ضَارَّ اللّٰهُ بِهٖ وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللّٰهُ عَلَيْهِ
رواه ابن ماجة والترمذی عن ابی صرمة یعنی هر که ضرر رساند دیگری را خدا او را ضرر رساند وهر که مشقت دهد دیگری را خدا
دیگری را مشقت دهد وترمذی از ابی بکر صدیق روایت کرده که فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که ملعونست کسی که
مومنان را ضرر رساند یا مکر کند به آنها وابو داود از سعید بن زید از سرور عالم صلی الله علیه وسلم روایت
کرده که فرمود بدترین ربا زبان درازی کردنست در آبروی مسلمانی بغیر حق ورسول فرمود
صلی الله علیه وسلم مَنِ اعْتَذَرَ اِلٰى اَخِيْهِ فَلَمْ يَعْذِرْهُ وَلَمْ يَقْبَلْ عُذْرَهُ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ
خَطِيْئَةِ صَاحِبِ مَكْسٍ رواه البیهقی عن جابر یعنی هر که عذر خواهد بسوی برادر خویش او عذر قبول
نکند باشد بروی گناه مانند گناه صاحب راهداری بدان اسعدک الله تعالی حق اخوة اسلامی بالاتر است
از همه حقوق چراکه در حق قرابت النسبی پدر ومادر واسطه اند ودر اخوة اسلامی خدا ورسول خدا
واسطه اند رسول کریم پدر همه مومنانست حق تعالی میفرماید اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ
وَاَزْوَاجُهٗ اُمَّهَاتُهُمْ ودر قراءة ابی بن کعب خوانده شد وَهُوَ اَبٌ لَهُمْ یعنی نبی صلی الله علیه
وسلم اولی است بتصرف در مومنان از نفس آنها وازواج او مادران مومنان هستند واو پدر آنهاست
ولهذا حق تعالی فرموده اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوْا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ یعنی نیستند مومنان
باهم مگر برادران پس صلح کنید در برادران خود بنابر اخوة اسلامی ملائکه برای مومنان استغفار میکنند

تراشنده
دور کننده
[illegible]

[illegible]
بغیر حق شرعی
[illegible]

حق تعالی میفرماید اَلَّذِیْنَ یَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهٗ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیَسْتَغْفِرُوْنَ
لِلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا الآیة و میفرماید اَلْمَلٰٓئِکَةُ یُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَیَسْتَغْفِرُوْنَ
لِمَنْ فِی الْاَرْضِ یعنی حاملان عرش و آنها که گرد اوست تسبیح میکنند با حمد پروردگار خود و استغفار میکنند
برای کسانیکه ایمان آورده اند و جای دیگر میفرماید فرشتگان تسبیح با حمد میکنند پروردگار خود را و برای
اهل زمین استغفار میکنند **سوال** اگر حق اخوة اسلامی از اخوة نسبی و دیگر حقوق بالاتر است پس
تو اخوة نسبی را چرا مقدم نوشتی و حق تعالی میفرماید وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰی بِبَعْضٍ
فِیْ کِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُهٰجِرِیْنَ یعنی اقربای نسبی بعضی بعضی را اولی و بهتر اند از
مومنان و مهاجران و لهذا میراث در قرابت نسبی است نه در قرابت اسلامی و رسول فرمود صلعم
اَلصَّدَقَةُ عَلَی الْمِسْکِیْنِ صَدَقَةٌ وَهِیَ عَلٰی ذِی الرَّحِمِ ثِنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصِلَةٌ رواه
احمد والترمذی والنسائی وابن ماجة عن سلیمان بن عامر **جواب** قرابت نسبی وغیره که بالا مذکور
شده اند در همه آن اسلام شرط است و همه جا اسلام معتبر است معنی آیت اینست که اولوا الارحام
که مسلمان اند از مومنان و مهاجرین که قرابت نسبی ندارند بهتر اند و وارث مقدم و مراد حدیث
آنکه صدقه بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم که مسکین مسلم باشد دو ثواب دارد لهذا اقربا
اگر کافر باشند میراث به آنها نرسد بلکه بعامۀ مومنین رسد در بیت المال که خزانۀ عامۀ مومنین است داخل
کرده شود اگر پدر یا مادر کافر باشد گو نفقه او بر پسر واجب است لیکن محبت و دوستی با وی نباید کرد بلکه بیزاری
باید نمود قال الله تعالی مَا کَانَ لِلنَّبِیِّ وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَنْ یَّسْتَغْفِرُوْا لِلْمُشْرِکِیْنَ وَلَوْ کَانُوْا
اُولِیْ قُرْبٰی مِنْ بَعْدِ مَا تَبَیَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِیْمِ وَمَا کَانَ اسْتِغْفَارُ
اِبْرٰهِیْمَ لِاَبِیْهِ اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَا اِیَّاهُ فَلَمَّا تَبَیَّنَ لَهٗ اَنَّهٗ عَدُوٌّ لِّلّٰهِ
تَبَرَّاَ مِنْهُ یعنی نباشد نبی را و مومنین را که مغفرت خواهند برای مشرکان اگرچه باشند آنها صاحب
قرابت بعد از انکه ظاهر شود آنها را که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار ابراهیم برای پدر خود مگر از جهت وعده
که به پدر با وی کرده بود که اسلام خواهیم آورد پس هرگاه که ظاهر شد بر وی که این دشمن خدا است از وی بیزاری
کرد **فائده** حدیث کُلُّ نَسَبٍ وَصِهْرٍ مُنْقَطِعٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ اِلَّا نَسَبِیْ وَصِهْرِیْ حدیث صحیح است

ابن عساکر از ابن عمر روایت کرده یعنی هر قرابت نسبی و قرابت خسری و دامادی تا و باشد روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت نسبی و صهری من مراد پیغمبر آن نیست که قرابت همه مومنان و غیرهم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مراد آن نیست که همه مسلمانان فرزندان من اند نسب و صهر مومنان منقطع نخواهد شد نسب و صهر کافران منقطع خواهد شد دلیل بر این تفسیر آنست که حق تعالی در حق مومنان میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ یعنی کسانیکه ایمان آورده اند و اولاد شان تابع ایشان اند در ایمان اولاد شان را در بهشت بمرتبهٔ پدران ملحق خواهیم کرد و از عمل پدران کم نخواهیم کرد هیچ و نیز حق تعالی میفرماید وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَى إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا یعنی اموال کافران و اولاد آنها را بما نزدیک نخواهند کرد مگر کسیکه ایمان آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنها را بما نزدیک خواهند کرد و در حق کافران فرموده فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ یعنی نسبهای شان در میان شان نخواهند ماند روز قیامت و فرمود وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ منقطع خواهد شد در میان شان اسباب و صلت از این آیات دیگر و احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم معلوم میشود که نسب در مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگری را مفید خواهد شد هم بسبب قرابت و هم بسبب دوستی و غیره و کافران را هیچ فائده نخواهد کرد يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ یعنی روز قیامت بگریزد مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آن روز باهم دشمن خواهند شد مگر متقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هرکسیکه در اسلام و تقوی افضل و اقوی باشد او برای محبت و صلت اولی و احق باشد والله اعلم **قسم نهم** دیگر از حقوق آنست که بنده باختیار خود بر خود لازم گرداند و این هم در حقوق الله است و هم در حقوق الناس و هر یک ازان بر سه قسم است قسمی آنست که سبب وجوب آن طاعت باشد دوم آنکه سبب وجوب آن معصیت باشد سوم آنکه سبب وجوب آن امری مباح باشد **فصل** حق الله که سبب وجوب آن طاعت است آن نذر است بعبادة اگر نذر کند بعبادة مقصوده که از جنس آن عبادتی فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه یا حج خواه آن نذر بلا شرط باشد یا بشرطیکه موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بیمار من شفا یابد

یا غائب قدوم کند سه روزه دارم ایفای اینچنین نذر فرض ست بعد وجوب در شرط ثانی قال الله تعالی
وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ یعنی باید که وفا کنید نذرهای خود را و آنچه لعبادتی غیر مقصود کند چنانچه نذر کند که
برای هر نماز وضوی جدید کرده باشم ایفای آن مستحب ست واجب نیست و نذر بمعصیت باطل ست چنانچه گوید
که اگر بیماری شفا یابد سرود کنانم رسول فرمود صلعم لَا نَذْرَ فِي مَعْصِيَةِ اللهِ یعنی نذر بمعصیت جائز
نیست و نذر بامر مباح هم لغو و سوای خدا نذر کردن برای پیغمبر یا برای کسی از اولیا گناه ست قریب
بشرک **فصل** در حق الله تعالی که سبب آن امر مباح ست چون کفارهٔ یمین و بعضی اوقات و قضای رمضان
بعد افطار مسافر یا مریض روزهٔ رمضان را که سبب وجوب قضا ست **فصل** در حق الله که سبب آن
معصیت ست چون حدود که سبب زنا یا سرقه یا شرب یا قذف واجب شود و کفارات که بسبب افطار روزه بی عذر شرعی
یا قتل خطا یا ظهار واجب شود **فصل** حق العباد که سبب آن طاعت ست چون ایفای وعده چیز که ضرور ست
قال الله تعالی وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا یعنی وفا کنید عهد را بدرستیکه عهد سوال
کرده شود بدان رسول فرمود الْعِدَةُ دَيْنٌ رواه الطبرانی عن علی وابن مسعود و روی ابن عساکر
عن علی عنه صلی الله علیه وسلم الْعِدَةُ دَيْنٌ وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ
ثُمَّ أَخْلَفَ وَيْلٌ لِمَنْ وَعَدَ ثُمَّ أَخْلَفَ یعنی وعده حکم دین دارد هلاکت ست مر کسی که وعده
کند پس وفا نکند این کلمه سه بار فرمود و در صحیحین از ابو هریره رض مرویست که رسول فرمود صلعم آيَةُ الْمُنَافِقِ
ثَلٰثٌ زَادَ مُسْلِمٌ وَإِنْ صَامَ وَصَلّٰى وَزَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ ثُمَّ اتَّفَقَا إِذَا حَدَّثَ
كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا اؤْتُمِنَ خَانَ یعنی علامت منافق سه چیز ست در مسلم زیاده آورده
و گفته اگرچه روزه دارد و نماز گزارد و بگوید که من مسلمانم یکی آنکه وقتیکه سخن گوید دروغ گوید و چون وعده
کند وفا نکند و چون امانت سپرده شود خیانت کند و از عبد الله بن عمر مرویست که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم چهار چیز در هر که این چهار در وی باشد منافق بود و چون امانت سپرده شود خیانت کند و چون سخن
گوید دروغ گوید و چون عهد کند عذر و فریب کند در آن و چون نزاع کند با کسی دشنام دهد و حق العباد که سبب آن
امری مباح باشد آن دین ست و مانند آن که بسبب بیع و شرا و اجاره و استجاره و استعاره و استیداع و
استقراض و نکاح و خلع و مانند آن لازم شود و ادای این حقوق یعنی تسلیم مبیع بعد قبض ثمن بمشتری و تسلیم

بُضع بزوج و تسلیم مبیع بشفیع و ایفای ثمن و قرض و مهر و اجرت و ردّ عاریت و ودیعت و مانند آن از
فرائض ست و از حقوق الله تعالی که احتمال مغفرت دارند اولی بالاداست و در تلف این حقوق عدم
ادای و بودن احتمال عدم مغفرت ست رسول فرمود صلی الله علیه وسلم یُغْفَرُ لِلشَّهِیْدِ کُلُّ ذَنْبٍ
اِلَّا الدَّیْنَ رواه مسلم عن عبدالله بن عمر یعنی بخشیده میشود برای شهید هر گناه مگر دین و فرمود مَطْلُ الْغَنِیِّ ظُلْمٌ
عن ابی هریرة یعنی درنگ کردن در ادای دین بعد میسر شدن ظلم ست جنازه پیش پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمده برای نماز آنحضرت
پرسید آیا بر وی دین کسی هست گفتند نی آنحضرت بر وی نماز خواند دیگر جنازه آمد پرسید که بر وی دین کسی هست یعنی حق بندگان گفتند هست
گفت مالی گذاشته است گفتند آری سه دینار آنحضرت بر وی نماز خواند سوم جنازه آمد پرسید که بر وی
دین کسی هست گفتند آری سه دینار پرسید که چیزی مال گذاشته است گفتند نی فرمود شما نماز بر وی
بخوانید ابو قتاده گفت یا رسول الله دین او بر خود گرفتم نماز بر وی بخوان آنگاه نماز خواند بخاری
از سلمة بن الاکوع روایت کرده و بغوی در شرح السنة از ابی سعید خدری روایت کرده که جنازه آمد رسول
علیه السلام پرسید که بر وی دین هست گفتند آری آنحضرت پرسید که مقدار دین مال گذاشته است گفتند نی
حضرت فرمود که شما بخوانید علی رحمة الله علیه گفت که دین او بر خود بر گرفتم آن وقت نماز خواند و گفت علی را
که حق تعالی ترا از بند رها کناد چنانچه تو یار خود را از بند رها کردی مسلم از ابی قتاده روایت کرده که مردی
گفت یا رسول الله در حالیکه رو بر قتال داده باشم پشت نداده باشم حق تعالی گناهان من بخشد
فرمود آری مگر دین انچنین جبرئیل من گفته و برای ادای مهر حق تعالی میفرماید وَاٰتُوا النِّسَآءَ صَدُقٰتِهِنَّ
نِحْلَةً یعنی بدهید زنان را مهرهای شان بخوشی دل یا از مال حلال بی شبهه یا بنا بر روایات و فرمود
اَعْطُوا الْاَجِیْرَ اَجْرَهُ قَبْلَ اَنْ یَّجِفَّ عَرَقُهُ رواه ابن ماجه عن ابن عمر و ابو یعلی عن ابی هریرة
والطبرانی عن جابر و الحکیم و الترمذی عن انس یعنی بدهید مزد مزدور را مزدوری او پیش از انکه خشک
شود عرق او و رسول فرمود صلعم اِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَاَتَهُ اِلٰی فِرَاشِهِ فَاَبَتْ فَبَاتَ غَضْبَانَ
لَعَنَتْهَا الْمَلٰٓئِکَةُ حَتّٰی تُصْبِحَ متفق علیه عن ابی هریرة وقتیکه شوهر زن خود را بر فرش خود طلب کند
و او انکار کند شوهر بغصه بخوابد فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت کنند قال الله تعالی اِنَّ اللّٰهَ یَاْمُرُکُمْ
اَنْ تُؤَدُّوا الْاَمٰنٰتِ اِلٰٓی اَهْلِهَا یعنی الله تعالی حکم میکند شما را که امانتها را بمالکان شان ادا کنید

فصل اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد و اورا میسر نشود و بمیرد امیدست که حق تعالی در آخرت
دائنان اورا راضی سازد و اورا به بهشت برد رسول فرمود صلعم مَنْ تَدَايَنَ بِدَيْنٍ وَ فِي نَفْسِهِ
وَفَاءُهُ ثُمَّ مَاتَ تَجَاوَزَ اللّٰهُ عَنْهُ وَاَرْضٰى غَرِيْمَهُ بِمَا شَاءَ وَمَنْ تَدَايَنَ بِدَيْنٍ وَلَيْسَ
فِي نَفْسِهِ وَفَاءُهُ ثُمَّ مَاتَ اقْتَصَّ اللّٰهُ تَعَالٰى لِغَرِيْمِهِ مِنْهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه الحاكم عن ابی
امامه یعنی هرکه معامله کند و دین بروی لازم شود و اراده ادای آن دارد و بمیرد حق تعالی اورا
بخشد و دائنان اورا راضی سازد و هرکه معامله کند و دین دار شود و اراده ادا نداشته باشد عوض
دهاند حق تعالی غرمای اورا روز قیامت و طبرانی و حاکم هم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند
باین عبارت مَنْ اَدَّى دَيْنًا وَهُوَ يَنْوِيْ اَنْ لَا يُؤَدِّيَهُ فَمَاتَ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى
يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنِّيْ لَاٰخُذُ لِعَبْدِيْ بِحَقِّهِ فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُجْعَلُ فِيْ
حَسَنَاتِ الْاٰخَرِ فَاِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ اُخِذَ مِنْ سَيِّئَاتِ الْاٰخَرِ فَيُجْعَلُ عَلَيْهِ
یعنی هرکه بمیرد و اراده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بنده خود را ازین بگیرم پس از حسنات
مدیون بدائن دهانیده شود و اگر حسنات نباشد گناهان دائن بر مدیون نهاده شود و طبرانی
از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلعم دو قسم اند هرکه بمیرد و نیت ادای دین داشته باشد
پس من ولی او هستم یعنی اورا بخشانیم و از حق تعالی دین اورا ادا کنانم و هرکه بمیرد و نیت ادای دین
ندارد گرفته شود از حسنات او و دران روز درهم و دینار نیست و همچنین از ابن عمر از آنحضرت مرویست

فصل و حقوق العباد که سبب آن معصیت ست چون قتل نفس یا قتل عضو یا گرفتن مال کسی
بغصب یا سرقه یا خیانت یا آبروی کسی را بردن از دشنام و مانند آن یا غیبت ادای این
حق کردن مظلمه و استرضای مظلوم ست بدون استرضای مظلوم عفو و مغفرت در اتلاف این چنین
حقوق متیقن نشد الا نادرا رسول فرمود صلعم اَلدَّوَاوِيْنُ ثَلٰثَةٌ فَدِيْوَانٌ لَا يَعْبَؤُ اللّٰهُ بِهِ
شَيْئًا وَدِيْوَانٌ لَا يَتْرُكُ اللّٰهُ مِنْهُ شَيْئًا وَدِيْوَانٌ لَا يَغْفِرُهُ اللّٰهُ اَمَّا الدِّيْوَانُ الَّذِيْ
لَا يَغْفِرُ اللّٰهُ فَالشِّرْكُ وَاَمَّا الدِّيْوَانُ الَّذِيْ لَا يَعْبَؤُ اللّٰهُ بِهِ شَيْئًا فَظُلْمُ الْعَبْدِ نَفْسَهُ فِيْمَا
بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَبِّهِ مِنْ صَوْمٍ تَرَكَهُ اَوْ صَلٰوةٍ تَرَكَهَا فَاِنَّ اللّٰهَ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى يَغْفِرُ ذٰلِكَ وَيَتَجَاوَزُ لِمَنْ يَشَاءُ

حقوق العباد کبیر تر از معصیت

وَاَمَّا الدِّیْوَانُ الَّذِیْ لَا یَتْرُکُ اللّٰهُ مِنْهُ شَیْئًا فَظُلْمُ الْعِبَادِ بَعْضِهِمْ بَعْضًا اَلْقِصَاصُ
لَا مَحَالَةَ رواه الحاکم واحمد عن عایشه رضی الله تعالی عنها یعنی نامهای اعمال سه گونه اند یکی آنست
که حق تعالی ازهیچ چیز آن نامه هیچ پروا ندارد و دیگری آنست که ازان هیچ نمیگذارد و دیگر آنست که آنرا هرگز نمی بخشد
پس آن نامه که آنرا نمی بخشد هرگز آن شرکست وآن نامه که آنرا هیچ نمی شمارد آن ظلم بنده ست بر نفس خود
برترک حقوق حق تعالی از ترک نماز و روزه و مانند آن پس حق تعالی می بخشد این را هرکرا میخواهد
وآن نامه که ازان هیچ نمیگذارد وآن ظلم بندگانست یکی بر دیگری دران عوض و قصاص خواهند
البته وطبرانی ومانند آن از سلمان و ترمذی همچنین از انس روایت کرده اند و فرمود آنحضرت صلی الله
علیه وسلم هرکه باشد نزد او مظلمه برای برادر خود باید که در دنیا از و بخشاید که در روز قیامت نه دینار است
و نه درهم اگر ظالم را عمل صالح باشد بقدر ظلم عمل او گرفته بمظلوم داده شود و اگر عمل صالح نباشد
گناهان مظلوم از و برداشته بر ظالم نهاده شود رواه البخاری عن ابی هریرة و مسلم و ترمذی از
ابی هریره روایت میکنند که رسول صلعم از یاران پرسید که مفلس کدام کس باشد یاران گفتند مفلس
کسی باشد که مال و متاع نداشته باشد آنحضرت فرمود که مفلس از امت من کسی باشد که در روز قیامت حاضر
شود با نماز و روزه و زکوة لیکن یکی را دشنام داده باشد و یک را تهمت زنا کرده باشد و کسی را
مال خورده باشد و کسی را خون ریخته باشد و کسی را زده باشد پس نشانیده شود او را و از و عوض گرفته
شود هر یکی از حسنات او دیگر و پس چون از حسنات او هیچ نماند و تمام حقوق که بر ذمه او بوده باشد ادا
نشده باشد گرفته شود گناهان مظلومان و نهاده شود بر وی پس او را در دوزخ انداخته شود و رسول
فرمود صلعم مَا مِنْ رَجُلٍ یَضْرِبُ عَبْدًا اِلَّا اُقِیْدَ مِنْهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ رواه البزار والطبرانی
عن عمار و عن ابی هریرة نحوه یعنی هیچ مرد نباشد که زده باشد غلام خود را مگر آنکه عوض گرفته شود از و
روز قیامت و همچنین حاکم از سلمان و سعد و ابن مسعود و غیرهم روایت کرده و همچنین طبرانی از ابی
امامه و ابی بردة و انس روایت کرده و هناد از ابراهیم نخعی روایت کرده که گفته بودند جماعه صحابه
و تابعین میگفتند که اگر مردی دیگری را گفت ای سگ یا خوک یا خر حق تعالی روز قیامت
خواهد پرسید که تو دیده بودی که من او را سگ یا خوک یا خر آفریده بودم **فائده** ظلم چنانچه

بر مسلم حرام ست بر ذمی هم حرام ست که عهد با اهل ذمه عهد رسول ست صلی الله علیه وسلم عهد شکنی رسول
صلعم لازم می آید رسول فرمود صلی الله علیه وسلم مَنْ قَذَفَ ذِمِّیًّا لَهٗ حُدَّ یَوْمَ الْقِیَامَةِ بِسِیَاطٍ مِّنْ
نَارٍ رواه الطبرانی عن واثلة بن الاسقع یعنی هر که تهمت زنا کند بر ذمی او را روز قیامت حد زده خواهند
بدره از آتش و فرمود اَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا وَانْتَقَصَهٗ مِنْ حَقِّهٖ اَوْ كَلَّفَهٗ فَوْقَ طَاقَتِهٖ
اَوْ اَخَذَ مِنْهُ شَیْئًا بِغَیْرِ طِیْبِ نَفْسِهٖ فَاَنَا حَجِیْجُهٗ یَوْمَ الْقِیَامَةِ یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند
ذمی را یا کم کند از حق او یا تکلیف دهد او را زیاده از طاقت او یا گرفت از وی چیزی بی رضای او پس من خصومت
کننده باشم با وی روز قیامت **فائده** باید دانست که هر گناهیکه باشد سوای شرک جزای آن متناهی است
اگرچه کثیر و شدید باشد پس مقتضای این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصًا مظالم هرگز معین نگذاشته شود
و قصاص آن ضرورست مظلومان را ثواب حسنات ظالمان داده شود تا وقتیکه هیچ از حسنات شان
نماند پس اگر مظالم باقی ماند گناهان مظلومان بر ظالمان نهاده آنها را لایق دوزخ کرده شود پس هرگاه که جزای
سیئات منتهی شود اگرچه بعد مکث طویل و مومنان ظالمان از مظالم پاک شوند آخر ایشان داخل بهشت کرده شوند بمقتضای
ایمان که جزای ایمان خلود است در بهشت اینچنین امام بیهقی گفته لیکن از شامت مظالم گاه باشد که ایمان سلب شود
نعوذ بالله منها حق تعالی از صدور مظالم در پناه خود دارد **شعر** مباش در پی آزار و هر چه خواهی کن * که در
شریعت ما غیر ازین گناهی نیست یعنی در شریعت محمدی مانند مظالم هیچ گناه نیست **فائده** اگر بر ذمه شخصی
مظالم بود و از آن توبه کند و از ظلم اجتناب کند و رد مظالم و استرضای مظلومان از مقدور او خارج باشد
درین صورت امید است که حق تعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
رَجُلَانِ مِنْ اُمَّتِیْ جَثَیَا بَیْنَ یَدَیْ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰی فَقَالَ اَحَدُهُمَا یَا رَبِّ خُذْ لِیْ
مَظْلِمَتِیْ مِنْ اَخِیْ فَقَالَ اللّٰهُ اَعْطِ اَخَاكَ مَظْلِمَتَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِیْ شَیْءٌ فَقَالَ
اللّٰهُ كَیْفَ تَصْنَعُ لَمْ یَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِهٖ شَیْءٌ فَقَالَ یَا رَبِّ یَحْمِلُ مِنْ اَوْزَارِیْ وَفَا
ضَتْ عَیْنَا رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ بِالْبُكَاءِ وَقَالَ اِنَّ ذٰلِكَ یَوْمٌ عَظِیْمٌ یَوْمَ
یَحْتَاجُ النَّاسُ اِلٰی اَنْ یُّحْمَلَ عَنْهُمْ اَوْزَارُهُمْ فَقَالَ اللّٰهُ ارْفَعْ رَاْسَكَ فَانْظُرْ فِی الْجِنَانِ
فَرَفَعَ رَاْسَهٗ فَقَالَ یَا رَبِّ اَرٰی مَدَائِنَ مِنْ فِضَّةٍ مُّرْتَفِعَةً وَمِنْ ذَهَبٍ مُكَلَّلَةً بِاللُّؤْلُؤِ

لِأَيِّ نَبِيٍّ أَوْ لِأَيِّ صِدِّيقٍ أَوْ لِأَيِّ شَهِيدٍ هٰذَا فَقَالَ هٰذَا لِمَنْ أَعْطَى الثَّمَنَ قَالَ
رَبِّ وَمَنْ يَمْلِكُ ذٰلِكَ قَالَ أَنْتَ تَمْلِكُهُ قَالَ بِمَ قَالَ بِعَفْوِكَ عَنْ أَخِيكَ قَالَ
رَبِّ إِنِّي قَدْ عَفَوْتُ عَنْهُ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى خُذْ بِيَدِ أَخِيكَ فَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ ثُمَّ
قَالَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اتَّقُوا اللّٰهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ فَإِنَّ اللّٰهَ يُصْلِحُ
بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ رواه الحاکم والبیهقی وسعد بن منصور عن انس یعنی دو مرد از امت
من دو زانو نشینند بحضور رب العزت پس یکی بگوید ای پروردگار مظلمهٔ من از برادر من بگیر حق تعالی او را بفرماید
بده مظلمهٔ این برادر خود را او بگوید ای پروردگار هیچ از حسنات باقی نمانده است حق تعالی مظلوم را بفرماید
چه میکنی از حسنات او هیچ باقی نمانده است او گوید ای پروردگار گناهان من از من بردارد و ازین سخن چشم
مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم اشک ریخت و فرمود که آن روز سخت روز باشد مردم محتاج شوند به آنکه
کسی گناهان من بردارد حق تعالی مظلوم را بفرماید که سر بردار و ببین در بهشت پس سر بردارد و بگوید که الٰهی شهرها
می بینم از نقره عالی مرتبه و از زر مرصع بمروارید برای کدام نبی یا کدام صدیق یا کدام شهید خواهد بود این
شهرها حق تعالی فرماید که این برای کسی است که بدهد قیمت بگوید ای پروردگار کیست مالک این قدر حق تعالی
فرماید که تو مالک قیمت آن هستی بگوید از چه چیز فرماید که به بخشیدن حق خود برادر خود را او گوید یا رب بخشیدم از او
حق تعالی فرماید که بگیر دست این را و داخل بهشت کن پس رسول فرمود صلی الله علیه وسلم ای مردم پرهیز کنید
از عذاب خدا و نیکوکاری با خودها کنید که حق تعالی روز قیامت در مسلمانان آشتی خواهد کنانید یعنی هر کرا خواهد
و رسول فرمود صلعم روز قیامت چون بهشتیان داخل بهشت شوند و دوزخیان یعنی کافران داخل دوزخ
یک آواز دهنده آواز دهد که ای اهل جمیع مظالم با هم بخشید و ثواب شما بر خداست رواه الطبرانی عن انس و عن
ام هانی نحوه و امام محمد غزالی گفته که این احادیث محمول اند بر کسیکه از مظالم توبه کند و آینده ترک دهد و آنها را ثواب
باشد که حق تعالی ایشان را میفرماید إِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا قرطبی گفته که این تأویل خوب است
و حکم عام نیست اگر عام بودی کسی داخل دوزخ نشدی سوال اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد بر نفس یا مال یا آبرو
مظلوم را انتقام آن جائز باشد یا نه جواب انتقام مثل مظلمه جائز است و زیاده از آن حرام است و عدم
انتقام افضل و اولی است قال الله تعالی فَاعْتَدُوا بِمِثْلِ مَا اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ یعنی عوض کنید به وی

مانند آنچه او ظلم کرده ست بر شما این امر برای اباحت ست قال الله تعالی وَاِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوْا بِمِثْلِ
مَا عُوْقِبْتُمْ بِهٖ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصّٰبِرِيْنَ وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ یعنی اگر عوض
کنید شما پس عوض کنید مانند آنچه بر شما کرده‌اند و اگر صبر کنید پس صبر بهتر ست برای صبر کنندگان و صبر کن ای محمد و نباشد
صبر تو مگر بتوفیق و مددگاری او سبحانه و قال الله تعالی وَجَزٰٓؤُا سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَاَصْلَحَ
فَاَجْرُهٗ عَلَى اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الظّٰلِمِيْنَ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهٖ فَاُولٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِّنْ
سَبِيْلٍ اِنَّمَا السَّبِيْلُ عَلَى الَّذِيْنَ يَظْلِمُوْنَ النَّاسَ وَيَبْغُوْنَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ اُولٰٓئِكَ
لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ اِنَّ ذٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ یعنی جزای بدی آنست که مثل آن
بدی کرده شود پس هر که عوض نکند و بخشد و آشتی جوید پس ثواب او بر خدا ست بتحقیق حق تعالی ظالمان را
دوست نمیدارد یعنی دشمن میدارد و هر که عوض گیرد بعد مظلومی خود پس نیست بر وی هیچ مواخذه در دنیا و آخرت
بدرستیکه ظلم کنند بر مردم و فساد کنند در زمین ناحق آنها را عذاب الیم باشد و هر که صبر کند و بخشد مظلمهٔ خود بدرستیکه
بهترین خیرهاست رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اَلْمُسْتَبَّانِ مَا قَالَا فَعَلَى الْبَادِيْ مِنْهُمَا مَا لَمْ
يَعْتَدِ الْمَظْلُوْمُ رواه احمد ومسلم وابوداود والترمذی عن ابی هریرة یعنی دو کس باهم بدگوئی کنند گناه
هر دو بدگوئی بر کسی ست که اول گفته تا که ثانی زیاده نکند از آنچه اول گفته ست و فرمود آنحضرت علیه
السلام اَلْمُسْتَبَّانِ شَيْطَانَانِ يَتَهَاتَرَانِ وَيَتَكَاذَبَانِ رواه احمد والبخاری فی الادب بسند صحیح عن
عیاض بن حمار یعنی دو کس که باهم بدگوئی میکنند هر دو شیطان‌اند باهم کلام باطل میگویند و باهم دروغ گوئی
میکنند و قال الله تعالی وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ اِدْفَعْ بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِيْ
بَيْنَكَ وَبَيْنَهٗ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهٗ وَلِيٌّ حَمِيْمٌ وَمَا يُلَقّٰهَا اِلَّا الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَمَا يُلَقّٰهَا اِلَّا
ذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ وَاِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطٰنِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ اِنَّهٗ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ
یعنی نیکی و بدی یکسان نیست پس هر که نیکی تواند کرد بدی چرا اختیار کند بدی را به نیکی دفع کن یعنی اگر کسی با تو بدی
کند تو عوض آن نیکی کن از این عمل بدی او بر طرف شود اگر اینچنین کنی پس کسی که با تو دشمنی دارد دوست یکرنگ
خواهد شد و نخواهد کرد این صفت را مگر صابران و نخواهد کرد این صفت را مگر کسیکه نزد خدا نصیبهٔ کامل دارد و اگر وسوسه بخاطر
رسد از طرف شیطان که باز دارد از این عمل پس پناه جو از خدا بدرستیکه خدا سمیع و علیم ست ترا پناه دهد و مدد کند

گفت یا رسول الله مرا چند غلامند که مرا دروغ گو میگویند و خیانت میکنند و نافرمانی میکنند و من آنها نیز نرم و دشنام میدهم پس چگونه باشد مرا از آنها آنحضرت فرمود که خیانت و تکذیب عصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهد شد پس اگر عقاب تو از گناه آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود برابر خواهند شد و اگر عقاب تو از گناه شان زیاده خواهد بود بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهد شد آن مرد گریستن و به آواز ناله کردن گرفت رسول فرمود صلی الله علیه وسلم آیا قرآن نخوانده وَنَضَعُ الْمَوَازِيْنَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَاِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ اَتَيْنَا بِهَا وَكَفٰى بِنَا حَاسِبِيْنَ یعنی خواهیم نهاد ترازوهای عدل در روز قیامت پس ظلم کرده نخواهد شد هیچکس چیزی و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانهٔ خردل خواهیم آورد و بس ایم حساب کننده آن مرد گفت یا رسول الله بهتر چیزی نمی یابم از جدا کردن آنها بدرستیکه من ترا شاهد میکنم که آنها را آزاد کردم رواه احمد و ترمذی عن عائشة رض شعر بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اساء

تذییل در حسن خلق و نرمی و مذمت تکبر حق تعالی در حق رسول کریم فرموده وَاِنَّكَ لَعَلٰى خُلُقٍ عَظِيْمٍ بدرستیکه تو بر خلق عظیم هستی و فرموده فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيْظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوْا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ یعنی بسبب رحمت خدا که بدرستی نرم شدی تو برای مردم یعنی کریم و رحیم شدی و اگر می بودی بدخلق سخت دل هر آئینه جدا می شدند از گرد تو پس بخش تقصیرات شان را و دعای مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری کنند و در هر کار با آنها مشورت کن و حق تعالی در حق خاصان خود میگوید وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيْنَ يَمْشُوْنَ عَلَى الْاَرْضِ هَوْنًا وَّاِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُوْنَ قَالُوْا سَلَامًا یعنی بندگان خاص آنانند که راه میروند بر زمین نرمی و اگر جاهلان با آنها خطاب جهل میکنند آنها در جواب آن کلامی گویند که موجب سلامت باشد از ایذا و گناه رسول فرمود صلعم هر که از رفق و نرمی محروم شد از هر خیر محروم شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب ترین شما نزد من کسانند که اخلاق نیک دارند رواه البخاری عن عبدالله بن عمرو در صحیحین هست بهترین شما نیک خلق تر شماست و رسول فرمود صلعم اِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُدْرِكُ بِحُسْنِ خُلُقِهٖ دَرَجَةَ قَائِمِ اللَّيْلِ وَصَائِمِ النَّهَارِ رواه ابو داؤد یعنی بدرستیکه مومن در می یابد بنیک خوئی خود مرتبهٔ کسی را که تمام شب نماز گزارد و روزانه روزه دارد و فرمود آنحضرت صلعم بُعِثْتُ لِاُتَمِّمَ حُسْنَ الْاَخْلَاقِ رواه مالک فی الموطا و رواه احمد عن

ابوہریرة یعنی مبعوث کردہ شدم تا کہ تمام کنم حسن اخلاق را و رسول فرمود صلعم مَنْ تَوَاضَعَ لِلّٰهِ رَفَعَهُ
اللّٰهُ رواه ابو نعیم فی الحلیة عن ابوہریرة در حدیث قدسی ست اَلْكِبْرِيَاءُ رِدَائِيْ وَالْعَظَمَةُ إِزَارِيْ
فَمَنْ نَازَعَنِيْ فِيْ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا قَذَفْتُهُ فِي النَّارِ رواه احمد و ابو داؤد و ابن ماجة عن ابوہریرة
و ابن ماجة عن ابن عباس و روی الحاکم عن ابوہریرة اَلْكِبْرِيَاءُ رِدَائِيْ فَمَنْ نَازَعَنِيْ فِيْ رِدَائِيْ قَصَمْتُهُ
یعنی حق تعالی میفرماید کبریا و تکبر چادر منست و عظمت و بزرگی ازار منست هر که کشاکشی کند با من در چیزی
ازین هر دو بیندازم او را در دوزخ و بروایتی هر که چادر من کشد هلاک کنم او را **شعر** داویم ترا ز گنج مقصود
نشان + گر ما نرسیدیم تو شاید برسی + رَزَقَنَا اللّٰهُ سُبْحَانَهُ مِنَ الْخِصَالِ مَا يَرْضَاهُ وَالْحَمْدُ
لِلّٰهِ تَعَالٰى اَوَّلًا وَّاٰخِرًا وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ وَالْبَرَكَةُ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَاٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ وَ

مُتَّبِعِيْ سُنَّتِهٖ بِعَوْنِهٖ تَعَالٰى

الحمد لله بتاریخ سیزدهم ذیحجه ۱۲۹۶ هجری نسخهٔ حقیقة الاسلام جامع حقوق عباد و پروردگار انام
تصنیف سلالة العلما زبدة الفقها مفسر کلام الله حضرت قاضی **ثناء الله** پانی پتی قدس سره
در بیت السلطنت لکهنو محله محمود نگر محمد مصطفی خان خلف حاجی محمد روشن خان غفر لهما المنان
حلهٔ انطباع پوشانید

سوال

اجرت بر خواندن قرآن گرفتن جائز ست یا نه **جواب** حکم اجرتی که حافظان قرآن بر خواندنش میگیرند
چند صورت دارد جداگانه در ذهن خود منقسم باید نمود و خلط نباید کرد تا اشتباه واقع نشود صورت
اول آنکه ثواب قرآن خواندهٔ خود را بعوض مبلغ کذا بدست کسی بفروشد و این صورت محض باطل است
باجماع اهل سنت آری نزد امامیه رائج و متعارف ست بلکه ثواب روزه و حج و دیگر عبادات را می فروشند
و دلیل بطلانش آنکه حقیقت بیع مبادلة المال بالمال ست و ثواب طاعات مال نیست بلکه حقی ست که برای
این شخص بحکم وعدهٔ الهی ثابت میشود و در آخرت استیفای آن خواهد نمود و بیع حقوق خواه دنیوی
باشد خواه اخروی مثل حق الولد و حق الارشاد و حق مرد و زن و حق العیال و امثال ذلک جائز نیست
صورت دوم آنکه شخصی را برای ختم قرآن مزدور بگیرند و ثواب آن ختم بمستاجر برسد و این صورت نزد ابو حنیفه

جائز نیست و نزد شافعی تفصیلی دارد و دلیل عدم جواز این صورت آنست که قاعده کلیه حنفیه است کما
فی شرح الوقایة وغیره الاصل عندنا انه لا یجوز الاجارة علی الطاعات وعلی المعاصی
لکن لما وقع الفتور فی زماننا فی الامور الدینیة یفتی بصحتها لتعلیم القرآن و
الفقه تحرزا عن الاندراس و نکته در اینکه اجاره برادای طاعت خواه فرض باشد خواه نفل جائز
نیست آنست که شخصی که مباشر طاعت شده است بحکم وعده الهی مستحق اجر اخروی شده پس اگر اجر دنیوی
را از مخلوق بران عمل طلب نماید اجتماع عوضین در اجرین در حق یک کس بیک فعل لازم خواهد آمد مثل
آنکه شخصی اجیر [?] یک کس قرار یافت او را نمیرسد که اجیر خاص شخصی دیگر شود در همان مدت کذا هذا کما فی
شرح الهدایة وقوله علیه السلام واقرؤا القرآن ولا تأکلوا به مثل ان یستأجر رجلا لیقرأ
علی رأس قبر قیل مثل هذه القراءة لا یستحق به الثواب لا للمیت ولا للقاری
انتهی صورت سوم آنکه شخصی حسبة لله ثواب قرآن خوانده بکسی بخشد یا بقصد ثواب او خواندن آغاز
کند و هرگز خیال معاوضه در خاطر اخطور نکند و آنکس بطریق مکافات بعد ازان یا در اثنای خواندن
آن بوی چیزی بدهد یا احسانی نماید یا شخصی باشد که از سالها بر شخصی انعام و احسان میکند و این
کس مکافات آن قرآن و کلمه تهلیل و امثال آن لک های او میخواند و ثواب آن باو می بخشد پس این صورت
جائز است بلا شبهه بلکه مستحب زیرا که مکافات احسان باحسان مستحب است و فی الحدیث من صنع الیکم
معروفا فکافئوه الخ ولیکن درینجا هم عذری می باید و آن اینست که اگر نیت آن در خواندن مکافات
احسان اوست پس جائز مستحب است اما اجاره نشد آری داشتن مکافات مضر نیست لیکن فرقی بنا من [?]
و صورت چهارم آنکه شخصی است طالب علم و بجهت حفظ قرآن یا اشتغال بطاعت دیگر لیکن از راه تنگدستی
و فقدان وجه معاش فراغت اشتغال باین امور ندارد و مردی دیگر صاحب مال بوجه توجه او شود تا بفراغ بال
مشغول بطاعت گردد و درین صورت هر دو را اجر کامل بر هر طاعت او حاصل میگردد و مورد این
آیت همین است للفقراء الذین احصروا الخ و اعانت بر طاعت که در حدیث جا بجا ممدوح
واقع شد همین است لیکن این را اجرت گفتن مجاز است صورت پنجم آنکه شخصی قرآن را نه بوجه طاعت
بلکه بنا بر قصد منافع میخواند و برین اجرت میگیرد مثل رقیه حمی و تعویذ و ختم بعضی سوره قرآنیه برای حصول

بعضی مطالب. نبوی یا برای خلاص از عذاب گور یا برای دفع آسیب زنده یا مرده بصوت خوش و این قسم بهتر جائزست بلاکراهت و همین ست مورد این حدیث که اِنَّ اَحَقَّ مَا اَخَذْتُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا كِتَابُ اللّٰهِ وقصهٔ رقیه سورهٔ فاتحه و گرفتن اجرت بران نیز از همین قبیل ست همه صور را جدا جدا یا احکام آنها در خاطر محفوظ باید داشت وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلٰى مَنْ لَدَيْكُمْ بهمین تفصیل معلوم شد که در احادیث مختلفه تعارض نیست مثلاً در حدیث عباده بن الصامت قَالَ قُلْتُ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ رَجُلٌ اَهْدٰى اِلَيَّ قَوْسًا مِمَّنْ كُنْتُ اُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْقُرْاٰنَ وَلَيْسَتْ بِمَالٍ فَاَرْمِيْ عَلَيْهَا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ قَالَ اِنْ كُنْتَ تُحِبُّ اَنْ تُطَوَّقَ طَوْقًا مِنْ نَارٍ فَاقْبَلْهَا رواه ابو داود وابن ماجه در صورتی راست که در وقت تعلیم طلب مکافات منظور داشته بود و بهمین نیت تعلیم کرده بود و علی هذا القیاس احادیث دیگر وَاللّٰهُ اَعْلَمُ وَعِلْمُهُ اَتَمُّ وَاَكْمَلُ وَاَحْكَمُ

الحمد لله خالق الانام که رسالهٔ **حقیقة الاسلام** مع استفتای اخذ اجرت برخواندن قرآن بتاریخ سیزدهم ذیحجه ۱۲۶۶ هجری در بیت السلطنت لکهنؤ محلهٔ محمود نگر محمد مصطفی خان خلف

حاجی محمد روشن خان غفر لهما المنان طبع نمود



